

تحلیل الگوهای کنش فعالان حزبی در ایران (مورد مطالعه احزاب دهه ۶۰ تا ۹۰)

مردان حیدری^۱
ابوالفضل دلاوری^۲
فرح ترکمان^۳

تاریخ وصول: ۹۶/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۵

چکیده

حزب یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی و عاملی جهت ثبات و مشارکت سیاسی است. تاریخچه تحزب در جامعه ایرانی، به عصر مشروطه باز می‌گردد. تأسیس‌ها، انشقاق‌ها و انحلال‌های پی‌درپی احزاب از مشروطیت تا به امروز، حکایت از وجود مسائل عدیده، پیش‌روی این پدیده اجتماعی دارد. بیشتر مطالعات موجود در زمینه احزاب سیاسی بر عوامل ساختاری و کلان اجتماعی، نظیر ویژگی‌های دولت، مناسبات قدرت و فرهنگ سیاسی تمرکز داشته‌اند و کنش فعالان حزبی کمتر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بررسی الگوهای کنش فعالان حزبی در دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ خورشیدی، می‌تواند به فهم بهتر ما از آسیب‌های پیش‌روی این پدیده اجتماعی کمک کند. در این تحقیق با رویکردی متأثر از نظریه کنش ماکس وبر، متون مرتبط با تأثیرگذارترین احزاب در دهه‌های مورد نظر بررسی شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که الگوی کنش فعالان حزبی بیش از آن که عقلانی (به عنوان لازمه فعالیت و تحکیم احزاب) باشد احساسی و سنتی بوده، بنابراین پدیده تحزب دچار چالش‌های اساسی است. دلیل وجود چنین چالش‌هایی، پیش‌روی کنش فعالان حزبی، موضوعی است که خود تحقیقات مجزایی را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: دموکراسی، ماکس وبر، الگوی کنش، تحزب، فعالان حزبی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

abdelavari@gmail.com

۲- استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۳- استادیار دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

اغلب اندیشمندان علم سیاست، تحزب را مایه توسعه و ثبات سیاسی، افزایش مشارکت سیاسی- اجتماعی و عامل تحقق و تحرک دموکراسی دانسته‌اند. تحزب، به معنای تمایل اعضای یک جامعه به ساماندهی مشارکت سیاسی خود، در قالب احزاب سیاسی است. کم و کیف این تمایل یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی است؛ زیرا احزاب مهم‌ترین سازمان سیاسی در دموکراسی‌های معاصر به شمار می‌آیند. ضرورت تشکیل و اهمیت حزب سیاسی، نخستین بار توسط ادmond برک اندیشمند و سیاستمدار انگلیسی در سده ۱۸ بیان شد. برک در سال ۱۷۷۰ در مقاله‌ای با عنوان «اندیشه‌هایی درباره سبب ناخرسندی‌های کنونی» به دفاع از حزب «ویگ» و نظام حزبی در کشور انگلیس پرداخت. جیمز مادیسن آمریکایی نیز در قرن ۱۸ با انتشار سلسله گفتارهایی به نام «گزارش‌های فدرالیست» به پرسمان و پدیده حزب توجه کرد. مادیسن معتقد بود که «پیدایی حزب در یک نظام سیاسی آزاد، امری اجتناب‌ناپذیر است. از این رو به‌رغم اینکه نسبت به نظام حزبی بدبین بود و حزب را عامل تفرقه و نفاق می‌دانست، با سرکوبی حزب مخالف بود و آن را نشانه خودکامگی حکومت می‌دانست» (Mohammadinejad, 1976: 7). ارتقای سطح سطح تحزب، پاسخ‌دهی ساختار سیاسی در برابر مطالبات نوین کنشگران را در پی دارد. در غیر این صورت، ساختار حاکم، ضرورت تغییر و مطابقت با شرایط جدید اجتماعی را فهم نمی‌کند؛ و این مسئله منجر به ایستایی ساختار حاکم و در نتیجه عدم توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه می‌شود. بررسی تحزب در جامعه ایرانی، بیانگر وجود چالش‌های اساسی پیش روی این پدیده اجتماعی است و ناکارآمدی احزاب در فرآیند تاریخ معاصر ایران قابل پیگیری است. به نظر فعالان حزبی نتوانسته‌اند قابلیت و توانایی‌های خود و کار ویژه‌های مطلوب «حزب» را نشان دهند و اهداف تأسیس این پدیده سیاسی را محقق سازند. احزاب مولود حرکت‌های سیاسی و جریان‌های سیاسی کارآمد، پویا و بادوام نبوده‌اند. تأسیس‌ها، انشقاق‌ها و انحلال‌های پی‌درپی احزاب در طول تاریخ معاصر، حکایت از وجود چالش‌های عدیده، پیش روی این پدیده اجتماعی دارد. رودررویی اسلام‌گرایان با نیروهای غیرمذهبی در اوایل انقلاب، انشقاق بین جناح چپ و راست اسلام‌گرا از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ و سپس ظهور راست مدرن تا سال ۱۳۷۶ و بعدازآن نیز ورود توسعه سیاسی به ادبیات دولت و قدرت گرفتن اصلاح‌طلبان و سپس ظهور اصولگرایان و بعدازآن حوادث سال ۱۳۸۸ و در حال حاضر نیز دولت اعتدال و توسعه و آغاز صف‌بندی‌های جدید، همه و همه تحولات سیاسی سال‌های بعد از پیروزی انقلاب محسوب می‌شوند که بی‌ارتباط با الگوی کنش فعالان حزبی نیست. بیشتر مطالعات موجود در ارتباط با چالش‌های پیش‌روی تحزب بر عوامل ساختاری و کلان اجتماعی، نظیر ویژگی‌های دولت، مناسبات قدرت و فرهنگ سیاسی تمرکز داشته‌اند و کنش فعالان حزبی کمتر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یک نظام سیاسی تنها از ساختارها تشکیل نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌هایی از طرز فکرها و رفتارهای کم‌وبیش به هم پیوسته‌ای است که به الگوی کنش فعالان سیاسی مرتبط است. نگرش و

جهت‌گیری سیاسی جامعه نسبت به پدیده قدرت، حکومت و نظام سیاسی، همچنین کیفیت خواست‌ها و تکالیف متقابل میان مردم و حکومت، بی‌تأثیر از الگوی کنش فعالان حزبی نیست. این‌که در فضای سیاسی و اجتماعی، کنش فعالان حزبی تا چه اندازه سبب تحکیم و پایداری احزاب می‌شود و در پیگیری اهداف و منافع مختلف خود به تشکل و تشریک مساعی جمعی روی می‌آورند، اتفاقاً تحزب با این رویکرد چیزی جز تشکل منافع جمعی اما در حوزه سیاست نیست؛ بنابراین می‌توان چالش‌های پیش روی تحزب در جامعه ایرانی را از این منظر مورد بررسی قرارداد. در نتیجه سوال اصلی تحقیق اینگونه صورتبندی می‌شود: الگوی کنش فعالان حزبی در جامعه ایرانی تا چه حد با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب سازگار است؟

ماکس وبر کنش اجتماعی را رفتار آگاهانه‌ای می‌داند که در برگزیده احساسات، سنت‌ها، عقلانیت و ارزش‌ها و به‌طور کلی الگوی کنش اجتماعی افراد است. ملهم از وی، با بررسی الگوی کنش فعالان حزبی می‌توان عملکرد آنان را فهم نمود. در اندیشه وبر عقلانیت در حوزه سیاست و قدرت در چارچوب فعالیت حزبی و پیش از آن تحزب تجلی می‌یابد. لذا کارآمدی و پایداری احزاب سیاسی را باید متأثر از سطح الگوی کنش عقلانی فعالان حزبی دانست. در واقع کنش عقلانی لازمه فعالیت و تحکیم احزاب است. از نظر وبر جامعه‌شناسی علم مطالعه و بررسی کنش‌های اجتماعی است. وبر انواع کنش‌ها را مشخص نموده و چهار نوع کنش اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند: ۱. کنش عقلانی معطوف به هدف؛ در این نوع کنش هم هدفی که فرد آن را دنبال می‌کند و هم راه‌هایی که برمی‌گزیند بر اساس اصولی بخردانه و عقلانی که مورد قبول و مشروعیت حقوقی جمع قرار گرفته شکل می‌گیرد. مثال: ساخت پل توسط یک مهندس راه و ساختمان. ۲. کنش عقلانی معطوف به ارزش: زمانی که فقط اهداف، عقلایی و بخردانه است اما راه‌های انتخابی برای رسیدن به اهداف عقلایی نیستند. مثال: کاپیتان کشتی که در حال غرق شدن است ابتدا مسافر را وادار به ترک کشتی می‌کند و سپس خود کشتی را ترک می‌کند؛ که تنها هدف مطرح است. ۳. کنش احساسی: در اینجا راه و روش انتخابی و فعالیت انسان و فرد کنشگر مطرح است، مثل مادری که فرزندش را برای اینکه پایش به لیوان شیر خورده و فرش را خیس کرده است تنبیه می‌کند. در این نوع کنش استدلال مدنظر نیست که آیا لیوان آب به‌عمد روی فرش ریخته شده یا نه؟ تنها عمل و فعالیتی که مادر و فرزند انجام می‌دهند موردعلاقه و توجه است. ۴. کنش سنتی: در این نوع کنش هم هدفی که فرد دنبال می‌کند و هم راه‌هایی که برای رسیدن به هدف برمی‌گزیند صرفاً بر اساس سنت شکل گرفته است نه عقل؛ و بنابراین، مبتنی بر چیزهایی است که به‌طور معمول و از روی عادت انجام می‌شده است. این نوع کنش در روستاها و جوامع سنتی دیده می‌شود (Tanhae, 1995: 293). از طرفی وبر یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی هر کشوری را تشکیل احزاب سیاسی می‌داند. از نظر وبر احزاب درصدد تسلط بر قدرت و تحقق مقاصد و اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند. او احزاب سیاسی را نوعی رابطه فعال اجتماعی به حساب می‌آورد که مردم از طریق آن به عمل جهت‌دار

سیاسی می‌پردازند (Nimrooz, 1999: 311). وبر معتقد بود که احزاب سیاسی جمعیت‌های اختیاری هستند که اعضای آن‌ها تلاش می‌کنند که روسای خود را به قدرت برسانند تا از این طریق به برخی امتیازات مادی و معنوی چون تحقق برنامه‌های سیاسی دلخواه خود یا نیل به برخی منافع شخصی یا هر دو، دست یابند. حزب از نظر وبر شرکتی است که هدفش کسب قدرت است. ورود به این شرکت مانند همه شرکت‌های اقتصادی، تابع قوانین حاکم بر بازار (عرضه و تقاضا) است. افراد با محاسبه‌ای عقلانی و برای نیل به مقاصد عینی به احزاب می‌گریند (Ghafouri, 1999: 151). وبر تحزب را متأثر از نوع الگوی کنش فعالان می‌داند. از نظر وی الگوهای کنش سنتی و عاطفی نمی‌توانند مبنای تحقق تحزب و فعالیت حزبی باشند. در شرایطی که الگوی کنش فعالان حزبی متأثر از سنت و احساس باشد این پدیده با چالش مواجه خواهد شد. در تحقیق پیش‌رو کنش سنتی فعالان حزبی به گرایش‌های قوم‌مدارانه، بزرگ‌گرایی و فامیل‌محوری تعریف عملی شده است. تعریف عملی کنش احساسی، قرائت‌های خاص ایدئولوژیک فعالان حزبی از مذهب یا مکاتب اجتماعی، ترور و خودمحوری در نظر گرفته شده است. کنش عقلانی معطوف به هدف به واقع‌گرایی، رویکرد استراتژیک، سازوکار حزبی و برنامه‌محوری تعریفی عملی شده است و تعریف عملی کنش عقلانی معطوف به ارزش شامل، تعهدات ملی‌گرایانه و قرائت‌های متعهدانه از مذهب و مکاتب اجتماعی می‌شود. هر کدام از متغیرهای ذکر شده به صورت زیر قابل تعریف هستند:

بزرگ‌گرایی: الویت شخص جهت تشکیل و تداوم و روابط درون حزبی است. این رویکرد متأثر از پدرسالاری و پیرسالاری اجتماعی است که بخشی از سنت‌های اجتماعی جامعه هستند.

فامیل‌محوری: الویت مناسبات فامیلی در تشکیل یا روابط درون حزبی است. در چنین شرایطی حزب تبدیل به گروهی جهت پیگیری منافع خانوادگی می‌شود.

قرائت‌های خاص ایدئولوژیک از مذهب یا مکاتب اجتماعی: ایدئولوژی فعالان حزبی باید در برنامه‌ها، اساسنامه‌ها، مرامنامه‌ها و ... نمود یابد. در واقع، ایدئولوژی برای حزب است نه حزب برای ایدئولوژی. تمایلات فعالان حزبی که به صورت گرایش و وابستگی به قرائت‌های خاص از مذاهب و مکاتب اجتماعی نمود می‌یابد. احزاب سیاسی باید بر اساس برنامه‌هایی که ارائه می‌دهند برای کسب پایگاه اجتماعی تلاش کنند. البته برنامه‌ها متأثر از ایدئولوژی مورد باور فعالان حزب است و این متفاوت از آن است که خود ایدئولوژی تبدیل به برنامه شود. اگر خود ایدئولوژی تبدیل به برنامه و هدف شود، درک بی‌طرفانه علمی و واقع‌گرایانه از مسائل مختلف حاصل نمی‌شود. این نوع گرایش‌های ایدئولوژیک باعث می‌شود تا جایگاه حزبی کنشگران نه بر اساس تخصص و برنامه‌های آن‌ها برای رفع مسائل اجتماعی، بلکه بر اساس میزان اعتقاد فعالان به باورهای ایدئولوژیک تعیین شود. از این نظر میزان خودی و غیرخودی بودن فعالان حزبی در نسبت با اعتقاد به ایدئولوژی سنجیده می‌شود که این سنجش مبنای علمی ندارد و عاملی برای سلیقه‌گرایی می‌شود. از طرفی گذار ناقص و وضعیت در گذار از کنش

تحلیل الگوهای کنش فعالان حزبی در ایران (مورد مطالعه ...)

اجتماعی - سنتی به کنش اجتماعی - عقلانی سبب گسست کنشی می‌شود که در نتیجه این گسست، کنشگر منزوی و با ارتباطات متزلزل (پایین بودن اعتماد در تعاملات) اجتماعی به وجود می‌آید. در چنین شرایطی که سرمایه اجتماعی به شدت فروکش کرده و اعتماد اجتماعی پایین است، فعالان حزبی دچار خودمحوری می‌شوند. گسست و انشقاق کنشی در تحقیق به صورت گرایش‌های خودمحورانه فعالان حزبی، لحاظ شده است.

خودمحوری: کنش فردی فعالان حزبی جهت تأسیس، انشقاق و انحلال احزاب سیاسی است. این در حالی است که احزاب بر اساس خرد جمعی، حیات اجتماعی - سیاسی می‌یابند.
ترور: حذف یا اقدام به حذف فیزیکی رقیب از عرصه سیاسی و اجتماعی است.
واقع‌گرایی: برآورد صحیح از واقعیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است.
رویکرد استراتژیک: انتخاب راه مناسب بر اساس واقعیات موجود که در واقع امتداد مورد قبل است.
ساز و کار حزبی: بروکراسی احزاب موردنظر است. در واقع دیوانسالاری احزاب نمود عقلانیت معطوف به هدف فعالان است.

برنامه محوری: ارائه برنامه‌های مشخص برای رفع نیازهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است.

تعهدات ملی‌گرایانه: سوگیری ارزشی نسبت به وضعیت اجتماعی جامعه متأثر از ملی‌گرایی مورد نظر است.

قراءت‌های متعهدانه از مذهب و مکاتب: سوگیری ارزشی نسبت به وضعیت اجتماعی جامعه متأثر از دین‌باوری مورد نظر است.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شده، مرتبط با چالش‌های پیشروی تحزب در جامعه ایرانی، مطالعاتی انجام شده است که جهت روشن‌تر شدن زوایای موضوع، چند نمونه از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. آریا برزن محمدی در کتاب «تغییرات سازمانی در احزاب سیاسی در ایران ...» به درستی عوامل تأثیرگذار بر عدم نهادینه شدن احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی را دسته‌بندی کرده است؛ اما او سطح آسیب‌شناسی احزاب را در نسبت با خود فعالان حزبی کمتر مورد توجه قرار داده است. وی احزاب سیاسی را با رویکردی ساختارگرایانه (ساختار احزاب و حاکمیت) مورد بررسی قرار می‌دهد. (Mohammadi, 2011).

دلاوری (۱۹۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌های اجتماعی ناپایداری احزاب سیاسی در ایران (از مشروطیت تا انقلاب اسلامی)» به درستی ریشه ناپایداری احزاب را در شکاف‌های اجتماعی چندوجهی قومی، مذهبی و ... جستجو می‌کند. از طرفی ایشان این شکاف‌ها را متأثر از عوامل ساختاری و تاریخی به‌ویژه شیوه معیشت می‌داند (Delavari, 1996).

زیباکلام (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «استبداد مانع تاریخی تحزب در ایران» معتقد است که؛ تبیین جامعه‌شناختی عدم موفقیت تاریخی احزاب در ایران دلایل سه‌گانه‌ای دارد. نخست اینکه فرماسیون

اجتماعی در ایران کمتر در معرض آن تغییرات و تحولات زیربنایی که در اروپا رخ داده، قرار گرفته است. عامل دیگر کارکرد سیاسی نهاد روحانیت بوده که با بینش غصبی بودن حکومت در نزد شیعیان از یک سو و کناره‌گیری تاریخی از قدرت از دیگر سو، باعث نزدیکی‌شان به مردم شده است. سومین و مهم‌ترین مانع شکل‌گیری تحزب در ایران را استبداد می‌داند (Zibakalam, 1999).

منصورنژاد (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی دینی تحزب در اسلام» علاوه بر عدم تناسب شرایط فرهنگی محیطی و سیاسی، مهم‌ترین مسئله تحزب را روشن نبودن مبانی دینی احزاب در نظام اسلامی قلمداد نموده است (Mansoornezhad, 1999).

نیمروزی (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش تحزب در توسعه سیاسی: موانع و راهکارها» معتقد است که در جمهوری اسلامی ایران از لحاظ قانونی هیچ‌گونه مانعی برای تشکیل احزاب سیاسی وجود ندارد ولی در این راستا بایستی احزاب سیاسی دارای مرام‌نامه و اساسنامه تعریف شده و مشخص باشند که اولاً با اصل محوری ولایت فقیه در ستیز نباشند و ثانیاً ساختار و اهداف آن‌ها کاملاً تعریف شده و آشکار باشند و در چارچوب قانون اساسی قرار گیرند (Nimroozi, 1999).

لذا با توجه به مبانی نظری و تجربی، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که الگوهای کنش فعالان حزبی در جامعه ایران (احزاب دهه ۶۰ تا ۹۰) چه وضعیتی دارد؟ و تا چه حد با الگوی کنش عقلانی به عنوان لازمه فعالیت و تحکیم احزاب سازگار است؟

ابزار و روش

در اواخر قرن نوزدهم، «ماکس وبر» و «ویلhelm دیلتای» با ارائه نظریه معرفت‌شناسی مبتنی بر تفسیر، روش تفهیمی را به‌عنوان روش ویژه در برابر روش تبیینی مطرح کردند. «آنان معتقد بودند که موضوع مورد مطالعه علوم اجتماعی، برخلاف علوم طبیعی، ملموس نیست و به همین دلیل تنها از طریق تفهیم می‌توان به مطلوب دست‌یافت» (Rafipour, 1981: 69). افزون بر این، واقعیت چیزی ورای ذهن و آگاهی انسان نیست و واقعیت‌های اجتماعی از طریق کنش‌گران اجتماعی ساخته و به وسیله آنان تفسیر می‌شوند. در تحقیق پیش رو ملهم از ماکس وبر الگوهای احساسی، سنتی، عقلانی معطوف به هدف و ارزش در کنش فعالان حزبی بازشناسی شده است. با توجه به اهمیت احزاب و گروه‌های سیاسی، ابتدا نحوه شکل‌گیری آن‌ها بررسی گردیده و سپس تحلیلی کلی از شرایط حاکم بر احزاب ارائه و در نهایت کنش فعالان تفسیر شده است. در مورد برخی از احزاب که عملکرد آن‌ها صرفاً قائم به یک شخص نبوده با تفسیر اساسنامه‌ها و مرام‌نامه‌ها، الگوی کنش فعالان حزبی مورد تفسیر قرار گرفته است. با توجه به این که تحقیق حاضر درصدد تفسیر و کشف الگوهای کنش فعالان حزبی و تناسب آن‌ها با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب (الگوی کنش عقلانی) است، لذا نوع تحقیق اکتشافی و روش آن کیفی است و به تبع آن از روش اسنادی و کتابخانه‌ای جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق

نت‌برداری از کتب (آثار، زندگینامه‌ها، مصاحبه‌های موجود و ...) و اسناد (مانند اساسنامه‌ها و مرامنامه‌های حزبی) به جای مانده از فعالان حزبی صورت گرفته است.

یافته‌ها

فعالان حزب جمهوری اسلامی: انقلاب ۵۷ به‌عنوان سرفصلی نوین در عرصه سیاسی جامعه، همه مناسبات اجتماعی را متأثر از خود نمود که به‌تبع آن فعالیت سیاسی در چارچوب احزاب نیز تحت تأثیر آن قرار گرفت. هژمونی سیاسی نیروهای غالب در انقلاب ۵۷ را باید در خط سرنوشت حزب جمهوری اسلامی پیگیری نمود. حزبی که به تمام معنا نماد و نماینده انقلابی‌های غالب بود. تئوریسین و طراح اصلی این تشکل، آیت‌الله دکتر محمد حسینی بهشتی بود. هشت روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تأکید امام، موجودیت حزب جمهوری توسط آقایان بهشتی، خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، باهنر و موسوی اردبیلی اعلام شد و آیت‌الله بهشتی به‌عنوان اولین دبیر کل حزب معرفی شد. دبیر کل وقت حزب طی گزارشی که به مناسبت اولین سالگرد تأسیس حزب ارائه کرد، اهم دلایل پیدایش حزب را این موارد دانست: ۱. بهره‌گیری از تجارب تاریخی که به دلیل اصلی شکست نهضت‌ها، فقدان سازمان و تشکیلات نیرومند با گرایش اسلامی بوده است. ۲. عدم وجود تشکل از سوی روحانیت برای اداره و رهبری مبارزات. ۳. ضرورت داشتن تشکیلات سیاسی، اجتماعی مورد اعتقاد و اعتماد مردم و برخوردار از پایگاه مردمی برای تداوم مبارزه و انقلاب. ۴. اثرات مثبت تشکل‌های اسلامی هم چون مؤتلفه‌ی اسلامی؛ و نیز ایجاد مرکزیت، میدان و زمینه‌هایی برای تجمع نیروهای اصیل انقلاب که به انقلاب اسلامی ایران در خط امام، عمیقاً مؤمن باشند و با یکدیگر همکاری داشته و برای رضای خدا در خدمت مردم باشند. دکتر بهشتی درباره‌ی ضرورت و نیاز به ایجاد حزب معتقد بود که: برای تداوم انقلاب، نیاز به مدیریت برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف، تربیت نیروهای ساخته‌شده و کارآمد و هم‌فکر بر مبنای ایدئولوژی-اسلامی است. از نظر وی حزب به معنای «تشکل» است. تشکل به ایدئولوژی، استراتژی، خط‌مشی و نظرگاه‌های مشترک احتیاج دارد. بدون داشتن این وجوه مشترک، مردم با هم متشکل نمی‌شوند. آن تشکیلات سیاسی و اجتماعی اسلامی که بتواند طرح و برنامه‌ی هماهنگ و نظرگاه‌ها و موضع‌گیری‌های هماهنگ و کادر هماهنگ را به وجود بیاورد حزب است و به این معنا از ضروریات زندگی اجتماعی است (Ghasemi, 1982: 140-146). روزنامه جمهوری اسلامی به‌عنوان ارگان حزب جمهوری اسلامی به روزنامه‌های صبح کشور افزوده شد و مجله «عروه‌الوثقی» به‌عنوان ارگان دانش‌آموزی حزب به‌طور منظم ماهانه منتشر می‌شد. محورهای اصلی مواضع حزب پیرامون جهان‌بینی، ساخت جامعه و برنامه‌های فرهنگی، هنری، اداره کشور، سیاست اقتصادی و سیاست خارجی (بر پایه نه شرقی و نه غربی) به‌طور مشروح تبیین شده بود. اداره بخش قابل‌توجهی از قوه مجریه و حضور جمعی از نیروها و کادر حزب در کابینه و سایر سمت‌ها و حضور قاطع نیروهای عضو و هواداران آن در مجلس شورای اسلامی و نیز

ریاست قوه قضاییه و تقابل در برابر لیبرال‌ها و ... از کارکردهای اساسی حزب بود (Nazeri, 2003: 62-63). جریان ترور و مرگ رهبران، موجب افت شدید حزب شد و به دلیل گستردگی کار و عضویت‌های تازه، مواضع مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وارد حزب شد و به‌مرور هسته‌های اولیه تفکرهای مختلف در حزب به وجود آمد و موجب تشتت آرا و چندگانگی حزب شد و انسجام تشکیلاتی آن کم‌رنگ شد و درنهایت با درخواست آقایان آیت‌الله خامنه‌ای و رفسنجانی و موافقت مرحوم امام، کارنامه بزرگ‌ترین و فراگیرترین حزب سیاسی پس از پیروزی انقلاب ۵۷ در خرداد ۱۳۶۶ بسته شد (Darabi, 2009: 173-179).

تحلیل؛ حزب جمهوری هژمونی انقلابیون مسلط بر قدرت بود. بهشتی ضرورت ایجاد حزب را تداوم انقلاب می‌دانست. از نظر او در یک حزب همه‌چیز اعم از ایدئولوژی، استراتژی و ... باید منسجم و مشترک باشد. همان‌طور که پیداست حزب جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تشکل انسجام‌بخش بیشتر به دنبال مبارزه برای عدم انحراف از اصول و موازین دینی موردپذیرش خود بوده است. اصول و موازینی که مبنای حفظ ایدئولوژی و حفظ انقلاب بوده است. با ترور شخصیت‌های معروف این حزب که عاملی برای انسجام ایدئولوژیک بودند و همچنین موافقت امام برای انحلال آن، پرونده بزرگ‌ترین و فراگیرترین حزب پس از پیروزی انقلاب ۵۷ در خرداد ۱۳۶۶ بسته شد. چرایی انحلال حزب جمهوری اسلامی با توجه به شرایط مسلطی که در عرصه اجتماعی و سیاسی داشت بسیار معنی‌دار است. با توجه به محور قرار گرفتن ایدئولوژی در موجودیت، آرمان، مبارزه و سازوکار این حزب، می‌توان انتظار داشت که با حضور افرادی با قرائت نسبتاً متفاوت از ایدئولوژی رهبران، زمینه انحلال فراهم شود. در واقع در چنین حزب‌هایی برنامه‌های مختلف در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در سمت‌وسوی نسبت به تحقق ایدئولوژی ارائه می‌شود. این در حالی است که ایدئولوژی به‌عنوان یک نیروی الهام‌بخش باید عاملی برای تحقق بهتر برنامه‌های مورد نظر باشد. تفاوت احزاب باید به تفاوت در برنامه‌ها برگردد. باگذشت دهه اول انقلاب و فروکش فضای هیجانی جامعه، هژمونی حزب جمهوری نیز کم‌رنگ شد و زمینه انحلال این حزب فراهم آمد.

تفسیر؛ بهشتی در مصاحبه‌ای انگیزه خود از تشکیل حزب جمهوری را این‌گونه بیان می‌دارد: «من از سال‌ها پیش در فکر ایجاد یک حزب و جمعیت سیاسی اسلامی بودم به‌خصوص پس از سال ۱۳۳۲ ه.ش و کودتای ۲۸ مرداد و تجربه‌ای که از نهضت ملی ایران در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ به دست آوردم. وقتی نهضت آزادی تشکیل شد با خوشحالی از این خبر استقبال کردم و در این‌که در اساس‌نامه از اسلام به‌عنوان یک مکتب و از نهضت به‌عنوان یک حزب اسلامی تمام‌عیار یاد نشده بود به بنیان‌گذاران نهضت انتقاد کردم. در همان سال‌ها به فکر یک مجموعه‌ی فعال برای شناخت ایدئولوژی اسلام در شکل یک مکتب تمام‌عیار افتادم... تابستان سال ۵۶ با چند تن از دوستان به فکر ایجاد یک هسته‌ی روحانی متشکل بر اساس تأکید روی تقوا و ایمان، مبارز بودن و بینش مترقی اسلامی داشتن و

در عین حال خالق اندیشیدن و اسلامی عمل کردن و مبرا از هرگونه گرایش غیر اسلامی و تفکر التقاطی افتادیم و در نظر داشتیم که این هسته‌ی مبارز متعهد، شاخه سیاسی و اجتماعی به وجود بیاورد و آن شاخه بتواند یک حزب و تشکیلات نیرومند سیاسی در خلأ اجتماعی ما پایه‌گذاری بکند. در اوایل سال ۵۷ پایه‌ی این حزب محکم شد... با تأکید امام ۷ یا ۸ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حزب را اعلام کردیم و چون ما به جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی می‌اندیشیدیم نام آن را گذاشتیم حزب جمهوری اسلامی. برای تشکیل حزب با آقایان از جمله محمدعلی موحدی کرمانی، محمدجواد حجتی کرمانی، علی مشکینی، محمد مهدی ربانی املشی، سید حسن طاهری خرم‌آبادی، عباس واعظطیسی، عبدالکریم هاشمی نژاد، محمد مؤمن، بعضی از دوستان و روحانیت همانند آقای محمد رضا مهدوی‌کنی، محمد موسوی خوئینی و دوستان غیرروحانی و تحصیل کرده نظیر مهندس بازرگان، دکتر فریدون سبحانی، عزت‌الله سبحانی، مهندس محمد توسلی، دکتر عالی، مهندس مصطفی کتیرایی با دوستان بازار و اصناف دکتر حسن آیت، حبیب‌الله عسگرآولادی، مهدی عراقی، صادق اسلامی هم‌چنین حبیب‌الله پیمان صحبت در میان گذاشتیم. بنا بود در آن هسته اصلی من (بهشتی)، سید علی خامنه‌ای، محمدجواد باهنر، موسوی خوئینی و دکتر پیمان روی اساس‌نامه و مرام‌نامه کارکنیم (این) نتیجه کار مشترک ماقبل از انقلاب بود. برای موجودیت آن به نظر می‌رسید که مجموعه‌ای حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر از گروه‌های مختلف اجتماعی اعلام موجودیت کنند که حدود یک‌سوم از روحانیون مبارز و دوجهارم از قشرهای دیگر باشند که عملاً با اشکال روبه‌رو شدیم و به دلیل شتاب انقلاب از این کار بازماندیم... پس از انقلاب ما ۵ نفر (بهشتی، خامنه‌ای، رفسنجانی، باهنر و موسوی اردبیلی) موجودیت حزب را اعلام کردیم. البته به آقای مهدوی‌کنی هم گفته بودیم ولیکن استقبال نکرد» (Ghasemi, 1982: 141-146). با توجه به متن ذکر شده چند نکته حائز اهمیت اینک؛ با تأکید امام این حزب بنیان گذاشته شده بود. بهشتی فکر تشکیل حزب را از دهه‌های بیست و سی بخصوص کودتای ۲۸ مرداد می‌داند. نهضت آزادی در بیانیه اعلام موجودیت خود از اسلام به‌عنوان منبع الهام‌بخش جهت مبارزه برای تحقق حاکمیت ملی یاد کرده بود؛ و این موضوع موردنقد بهشتی بود. بهشتی دغدغه اصلی خود برای بیان گذاشتن حزب را شناخت ایدئولوژی اسلام در شکل یک مکتب تمام‌عیار می‌داند. در واقع از نظر بهشتی آنچه در خطر قرار داشت اسلام بود و باید از طریق یک تشکل اجتماعی و سیاسی مانع از تضعیف آن می‌شدند. تشکلی که تحکیم ایدئولوژی اسلامی را در عرصه حاکمیت و همچنین در عرصه اجتماعی سبب می‌شد. ترکیب پنج‌نفری که بعد از انقلاب موجودیت حزب جمهوری اسلامی را اعلام کردند نشان‌دهنده دغدغه مذکور است. بهشتی در گزارش اولین سالگرد تأسیس حزب دلیل شکست نهضت‌های پیشین را فقدان سازمان و تشکیلات نیرومند با گرایش اسلامی، عدم وجود تشکل از سوی روحانیت برای اداره و رهبری مبارزات و ... می‌دانست. کاملاً مشخص است که از نظر فعالان این حزب، اسلام هم نقش الهام‌بخش برای مبارزه در راه آزادی را دارد و هم خود اسلام مترادف باسعادت و آزادی است؛ و اینکه حضور در عرصه حاکمیت

جهت بقای آزادی و مبارزه واجب است. قرائت فعالان حزب جمهوری اسلامی از مذهب، مبارزه، انقلاب و حاکمیت به خاطر همراهی توده مردم، تبدیل به قرائت مسلط سیاسی و اجتماعی در انقلاب شد. قابل استنباط است که؛ الگوی کنش فعالان این حزب بنا به تأکید بر بزرگ سالاری (تأکید امام برای تأسیس و موافقت با انحلال)، قائم بودن به اشخاص و قرائت خاص ایدئولوژیک از مذهب و تأکید بیش از اندازه بر توده مردم و سنت‌های آنان، تلفیقی از احساس و سنت بوده است. از این نظر الگوی کنش فعالان این حزب با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب که الگوی کنش عقلانی را می‌طلبد سازگار نبوده است.

فعالان حزب مؤتلفه اسلامی: در اواسط دهه ۳۰، عسگراولادی و نزدیک ۴۰ نفر از دوستانش به فکر تشکیل یک هیئت افتادند؛ اما این هیئت تنها جنبه مذهبی نداشت، چه آنکه بعدها تبدیل به یکی از هسته‌های اصلی هیئت‌های مؤتلفه اسلامی شده. در کنار مباحث دینی که در این هیئت مطرح می‌شد، از سیاست نیز سخن گفته می‌شد و بیشتر به اختلافات مصدق و کاشانی و کودتای ۲۸ مرداد می‌پرداختند تا آنکه آن‌ها با امام آشنا شدند. کمی که از کار هیئت گذشت اعضای آن به فکر ایجاد خیریه‌ای برای کمک به محرومان افتادند و پشتیبان این حرکت، شرکتی به نام مؤید شد. در جریان تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی، ارتباط نمایندگانی از این هیئت با امام برقرار شد. بعد از این لغو مخفیانه و شبانه این لایحه عده‌ای در حرم حضرت معصومه به جشن پرداختند که امام خمینی با برگزاری این جشن مخالفت کرد و گفت: «چه جشنی می‌گیرید؟ ملت اسلام به دنبال بهانه‌ای برای مبارزه بود. این‌ها به صورت علنی آمده‌اند اعلام کرده‌اند تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را و سپس خصوصی، در گوشه‌ای آمدند و با شما صحبت کردند و گفتند اعتراض را لغو کنید؟» بعد از این اظهارات بود که هیئت مؤید به این نتیجه رسید، «آن روحانی که ما به دنبالش می‌گشتیم، همین است» (Kimiyafer, 2010). تاریخچه تشکیل جمعیت مؤتلفه اسلامی به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد که اعضای آن بعد از پیروزی انقلاب فعالیت خود را در حزب جمهوری دنبال می‌کردند. با تعطیلی حزب جمهوری اسلامی، اعضای مؤسس این جمعیت که حبیب‌الله عسگراولادی، اسدالله بادامچیان، سید اصغر رخ صفت، سعید امانی، ابوالفضل توکلی، مصطفی حائری زاده، ابوالفضل حاج حیدری، محمدجواد رفیق‌دوست، مهدی سید محمدی، حبیب‌الله شفیق، احمد کریمی اصفهانی و جواد مقصودی بودند، آذر ۶۹ پروانه تأسیس جمعیت مؤتلفه اسلامی را از وزارت کشور دریافت کردند (Nazeri, 2003: 78-81).

تحلیل؛ همان‌طور که پیداست جمعیت مؤتلفه متأثر از جامعه روحانیت مبارز است و در واقع جامعه روحانیت پدر معنوی و به عبارتی تغذیه‌کننده ایدئولوژیک جمعیت مؤتلفه است. تا زمانی که ذیل حزب جمهوری اسلامی همه گروه‌های انقلابی (طیف مسلط) به دفاع و تداوم خط انقلابی خود می‌پرداختند انسجام آن‌ها نسبتاً پایدار بود، اما با شروع تثبیت وضعیت نظام، فوت امام و البته جریان ترور فعالان حزب جمهوری که به عنوان فعالان تأثیرگذار، عامل وحدت‌بخش بودند، انشقاق‌هایی در طیف مسلط انقلابی بروز کرد. جامعه روحانیت و قرائت آنان از مذهب مورد تأیید جریان راست انقلابی بود که جمعیت مؤتلفه

در راستای این قرائت سمت‌وسوی سیاسی یافته بود. زمینه همگنی مؤلفه با روحانیت را باید به‌صورت یک فرایند تاریخی مورد ارزیابی قرارداد. از گذشته بازاریان، تجار و کاسب‌کاران برای تعدیل خواست و قدرت مطلقه شاهنشاهی و حفظ جان و مال و ناموس خود در برابر امر شاهنشاه با روحانیون در یک پیوند استراتژیک، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی بوده‌اند. از طرفی بازاریان، تجار و کاسب‌کاران وجوایب دینی خود را به روحانیون داده‌اند. لذا احکام فقهی، شرعی و فتوای روحانیون متأثر از پیوند استراتژیک، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی آنان با بازاریان، تجار و کاسب‌کاران بوده است. با کمی تعمق می‌توان مشاهده کرد که عمده‌ترین مساجد در جامعه ایرانی در دل بازارها قرار داشته و دارد. لذا مسجد پایگاه اصلی بازاریان، تجار و کاسب‌کاران برای انسجام اجتماعی، عقیدتی و سیاسی بوده است؛ و رهبری این قشر در حوزه‌های مختلف اعم از اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر عهده روحانیون بوده است. می‌توان بیان داشته که؛ تنها نهادی که در دوره‌های مختلف تاریخی و تحت شرایط متفاوت بنا به زمینه‌های ایجابی اجتماعی، توانسته در جامعه دوام و قوام داشته باشد مسجد بوده است. گروه مؤلفه با بازار و سازوکارهای تاریخی آن مرتبط است؛ و در نتیجه با روحانیون در یک پیوند تاریخی چندجانبه قرار دارد. پیوند تاریخی مؤلفه با روحانیون از زیست اجتماعی - تاریخی و سنتی فعالان آن در جامعه ایرانی نشأت می‌گیرد.

تفسیر؛ عسگراولادی شکل‌گیری این هیئت را این‌گونه روایت می‌کند: «ما به این نتیجه رسیدیم که در این مساجد یا هیئت‌ها نمی‌توانیم اقناع شویم، پس بیاییم خودمان یک هیئت درست کنیم. دوره‌م نشستیم و یک هیئت تأسیس کردیم که قاری و مداح از خودمان بود و گوینده هم از خودمان. اسمش مؤید بود و این نام را از آیه مبارکه «الله یوید بنصره من یشاء» گرفته بودیم. گاهی عده‌ای از اطرافیان می‌گفتند نکند این‌ها بچه‌ها ما را منحرف کنند. باید یک اسلام‌شناس در بین این‌ها باشد تا منحرف نشوند. لذا ما بر آن شدیم یک‌شب قبل از اینکه صحبت کنیم خدمت یک اسلام‌شناس برویم و پیش‌نویس بحث را خدمتشان بخوانیم که خانواده‌ها را از نگرانی در بیاوریم. یکی از این چهره‌ها، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حق‌شناس بود». عسگراولادی، بحث‌های سیاسی ابتدایی هیئت مؤید را این‌گونه روایت می‌کند: «چون ما هیچ‌کدامان تعصب هیچ‌یک از تشکلهای و جناح‌ها را نداشتیم. بحث‌های سیاسی که داشتیم افسوسی بود برای از دست رفتن فرصت‌ها به دست جریان سیاسی و بخش‌های ملی و مذهبی. تحلیل‌هایمان درباره جریان ملی شدن صنعت نفت و جریان حکومت ملی دکتر مصدق و جریان سی تیر، تحلیل‌هایی بود که هیچ تعصب خاصی نسبت به این جریان‌ها نداشتیم. مصدقی‌ها تمام امتیاز و توفیق‌ها را به مصدق نسبت می‌دادند. تکیه‌شان این بود که روز سی تیر مردم می‌گفتند یا مرگ یا مصدق و توانستند قوام‌السلطنه را بشکنند. در صورتی که آیت‌الله کاشانی اسباب تعطیلی بازار شد... ما تحلیل‌مان این بود؛ می‌گفتیم: افسوس که نه مصدق توانست، نه جناح ملی و نه جناح مذهبی». درجایی دیگر عسگراولادی بیان می‌دارد که؛ انگیزه اولیه تشکیل حزب، لیبیک گفتن به خواست مراجع تقلید و رهبر نهضت اسلامی، امام راحل بود که از سال ۱۳۴۱ ایشان بر متشکل و منسجم شدن اهل ایمان تأکید

خاصی داشتند و حتی اجرای امر به معروف و نهی از منکر را با ایجاد تشکلی که قدرت امر و تشکلی که قدرت نهی داشته باشد، سفارش می‌کردند. از سال ۱۳۴۱ حضرت امام این سفارش‌ها را داشتند و در آن روز هیئت‌های دینی شکل گرفتند و این هیئت‌های دینی، در ارتباط با یکدیگر و با اشراف و هدایت حضرت امام به هیئت‌های مؤتلفه تبدیل شد که در نهایت جمعیت مؤتلفه اسلامی به وجود آمد... عسکر اولادی شروع مؤتلفه را از مسجد و متشکل از افراد هیئتی و مذهبی دانسته که اسم‌گذاری گروه اولیه با عنوان مؤید برگرفته از یک آیه قرآنی بوده است. در جریان ملی شدن صنعت نفت، گروه ابتدایی مؤتلفه گرایش به طیف کاشانی داشتند اما به مذهبیان نیز منتقد بودند تا اینکه در جریان تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و اعتراضات دهه چهل آنان مراد (امام) خود را یافتند. عسکراولادی انگیزه کار حزبی را لیبیک گفتن به خواست مراجع تقلید می‌دانست. می‌توان نتیجه گرفت که؛ دفاع از اسلام و تحقق اسلام امری بود که محور اصلی ایجاد مؤتلفه است. قابل استنباط است که؛ فعالان مؤتلفه با توجه به زیست اجتماعی-تاریخی و سنتی خود و به تبع آن پذیرش روحانیون به‌عنوان رهبر اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و ... دارای الگوی کنش سنتی هستند؛ و از سوی دیگر به خاطر گرایش به قرائت ایدئولوژیک مبارزاتی خط امامی داری الگوی کنش احساسی بوده‌اند. از این نظر الگوی کنش فعالان مؤتلفه با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب که الگوی کنش عقلانی را می‌طلبد سازگار نیست.

فعالان حزب کارگزاران سازندگی ایران: حزب کارگزاران سازندگی توسط ۱۶ نفر از اعضای هیئت دولت (کابینه) اکبر هاشمی رفسنجانی، در اسفند ۱۳۷۴ آغاز به کار کرد. سنگ بنای حزب کارگزاران درست در مقطعی گذاشته شد که یک سال از عمر دولت دوم رفسنجانی باقی‌مانده بود. کارگزاران نخستین حزب سیاسی در ایران بود که در درون دولت شکل گرفت. در بهمن‌ماه ۱۳۷۴ شانزده تن از وزیران، معاونان و نزدیکان هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت ایران در بیانیه‌ای با عنوان «جمعی از کارگزاران سازندگی ایران» اعلام کردند در انتخابات مجلس پنجم حضور فعال خواهند داشت و فهرستی از کاندیداهای مورد حمایت خود را معرفی خواهند کرد. این اقدام با واکنش منفی شدید جناح راست که این اقدام را دخالت قوه مجریه در قوه مقننه قلمداد کرده و تهدید به استیضاح وزیرای امضاکننده بیانیه و حتی طرح بررسی کفایت رئیس‌جمهور در مجلس روبرو شد. در نهایت با فرمان رهبر جمهوری اسلامی، مبنی بر عدم حضور وزیران در این جمع غائله فروکش کرد و با حذف ۱۰ وزیر، به یک جمع ۶ نفره کاهش یافت که شامل ۵ معاون رئیس‌جمهور و شهردار تهران می‌شدند که با صدور بیانیه‌ای با عنوان «کارگزاران سازندگی» حضور خود را در عرصه انتخابات اعلام کردند. این گروه نهایتاً با فشار شورای نگهبان فعالیت انتخاباتی خود را با عنوان «جمعی از کارگزاران سازندگی» سامان داد. بدین ترتیب، حزب کارگزاران سازندگی ایران تأسیس شد. بعد از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که به‌عنوان پدر معنوی حزب یاد می‌شود و اصلیتی کرمانی دارد، حسین مرعشی، فائزه هاشمی، محمد هاشمی، علی هاشمی، محسن هاشمی رفسنجانی و اسحاق جهانگیری خاستگاهی کرمانی دارند. رضا امراللهی و فاطمه رمضان‌زاده نیز

از منطقه مجاور کرمان یعنی یزد وارد حزب شدند. بعد از طیف مدیران کرمانی و یزدی، دومین حلقه پرنفوذ حزب را اصفهانی‌ها تشکیل می‌دهند که در این جمع دو نفر سرشناس‌ترند و به‌عنوان «مردان سایه رفسنجانی» گرداننده حزب تا چند سال اخیر بودند، این زوج غلامحسین کرباسچی و محمد عطریان فر هستند. این حزب دستیابی به فضای باز اقتصادی و توسعه پایدار اقتصادی را به‌عنوان زمینه‌ساز رسیدن به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند. شعار حزب زمان تأسیس «عزت اسلامی، تداوم سازندگی، آبادانی ایران» بیان شد. سخنگوی رسمی این حزب حسین مرعشی است. روزنامه کارگزاران میز خطابه رسمی این حزب بود. این روزنامه ۱۱ دی ۱۳۸۷ به دلیل انتشار بیانیه دفتر تحکیم وحدت پیرامون جنگ غزه که به‌جز اسرائیل، حماس را به دلیل سوءاستفاده از غیرنظامیان و حکومت ایران را به خاطر تجهیز حماس محکوم کرده بود، توسط هیئت نظارت بر مطبوعات توقیف شد (Shadlou, 2000). عملکرد کارگزاران در عرصه فرهنگ و هنر با اعتراض مراجع تقلید مواجه شد. اعتراضات رهبری به‌طور مستمر مطرح شد و مجلس شورای اسلامی دوره پنجم، استیضاح را بهترین امکان برای برکناری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (عطاءالله مهاجرانی) دانست. مجلس هرچند در آن اقدام ناکام ماند، اما فضای عمومی کشور کار را برای وزیر وقت به‌گونه‌ای تنگ کرد که چاره‌ای جز استعفا نماند و بدین‌سان پرونده فرهنگی - هنری کارگزاران سازندگی به‌ظاهر مختومه اعلام شد (Darabi, 2009). فعالان حزب کارگزاران سازندگی خواهان تغییر قانون اساسی برای امکان‌پذیر شدن تداوم ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی پس از دو دوره قانونی بودند؛ این حزب در سازندگی کشور پس از جنگ و ساخت زیربنای اقتصادی نقش به‌سزایی داشته‌اند. به‌علاوه «بازتر شدن فضای فرهنگی - سیاسی جامعه» و تنش‌زدایی در عرصه بین‌الملل را نیز باید از جمله خدمات کارگزاران برشمرد.

تحلیل؛ حزب کارگزاران سازندگی در دل دولت‌دوم رفسنجانی شکل گرفت و به دنبال پیگیری اهداف خود با محوریت شخص هاشمی بود. مشخصاً این حزب جهت امتداد خط‌مشی هاشمی و راست‌مدرن به وجود آمد. جریان سیاسی راست قابل‌تقسیم به دو طیف سنتی و مدرن است. طیف سنتی استنباطی سرمایه‌دارانه از بازار دارد اما طیف نوین عمدتاً فن‌سالارهای بروکرات و کسانی هستند که معتقد به ایجاد بازارهای مدرن هستند و از این نظر با طیف سنتی سرمایه‌داری بازار دچار چالش شدند. این چالش در ارائه لیست انتخاباتی برای مجلس پنجم نمود یافت. پدر معنوی طیف سنتی، جامعه روحانیت مبارز است و هاشمی را باید پدر معنوی کارگزاران سازندگی دانست. با بررسی پایگاه اجتماعی کارگزاران مشخص می‌شود که فعالان اصلی این تشکل عمدتاً اهل شهرهای مرکزی ایران مانند کرمان، اصفهان و یزد هستند. شهرهایی که نسبت به دیگر نقاط کشور روند شهرنشینی و صنعتی شدن را بیشتر طی کرده‌اند.

تفسیر؛ اهم مواضع و دیدگاه‌های حزب کارگزاران سازندگی به روایت خودشان به این شرح است: ۱. اعتقاد به «تشنج‌زدایی»، طرفدار مذاکره و رابطه با آمریکا، جذب سرمایه‌های خارجی، گسترش رابطه با

اروپا برای تحت‌الشعاع قرار دادن رابطه با آمریکا و دیپلماسی کارآمد در سیاست خارجی. ۲. در سیاست داخلی؛ طرفدار مشارکت سیاسی و همه‌جانبه مردم، تأکید بر تداوم و استمرار روند سازندگی، طرفدار توسعه همراه با اعتدال و مخالفت با تنگ‌نظری و افراطی‌گری. ۳. در حوزه سیاست اقتصادی؛ طرفدار سیاست‌های تعدیل اقتصادی، اقتصاد باز و سرمایه‌داری. برنامه‌های توسعه در دولت هاشمی رفسنجانی محصول تفکر کارگزاران سازندگی بود. فراموش نکنیم که یکی از عوامل اصلی موفقیت خاتمی در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶، مخالفت صریح و آشکار با همین سیاست بود. برخی بر این باورند که سیاست تعدیل اقتصادی پایه‌های عدالت را درهم‌شکست و تمرکز ثروت را در دست تعداد قلیلی قرار داد (Darabi, 2009). مواضع و دیدگاه‌های کارگزاران بر تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی، مشارکت سیاسی در داخل، پذیرش مدرنیسم و ... تأکید دارد که گویای سوگیری عقلانی این تشکل نسبت به وضعیت اجتماعی کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. حزب کارگزاران دارای عضوگیری بسیار محدود و سازوکاری شبه حزبی است که بیشتر به‌عنوان یک حلقه نیمه بسته و دارای روابط فامیلی در عرصه اجتماعی و سیاسی وارد می‌شود که این موضوع گویای کنش‌سنتی فعالان این تشکل است. قابل استنباط است که؛ الگوی کنش فعالان کارگزاران آنجا که قائم به شخص هاشمی و محدود به حلقه خاصی است، سنتی و جایی که به ارائه برنامه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با رویکردی واقع‌گرایانه می‌پردازد عقلانی معطوف به هدف است. از این نظر الگوی کنش فعالان کارگزاران تلفیقی از سنت و عقلانیت معطوف به هدف است که گاهی دچار سردرگمی‌هایی در مشی آنان می‌شود. به‌رورو، الگوی کنش فعالان این حزب با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب که الگوی کنش عقلانی را می‌طلبد ناسازگار نیست.

فعالان حزب مشارکت ایران اسلامی: جبهه مشارکت ایران اسلامی یکی از اولین احزابی است که پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۷۶) تأسیس شد؛ این حزب در طول دولت سید محمد خاتمی با در اختیار داشتن نزدیک به نیمی از اعضای کابینه اصلاحات و همچنین داشتن بزرگ‌ترین فراکسیون حزبی در طول مجلس ششم و نیز فراگیری و تأسیس دفاتر و شعب فعال حزبی در همه استان‌ها و اکثر شهرستان‌های کشور، توانست به‌عنوان یکی از چالش برانگیزترین و اثرگذارترین احزاب تاریخ بعد از انقلاب بر مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران لقب بگیرد (Zarifinia, 1999). از نگاه «جبهه مشارکت ایران اسلامی»، نام این حزب در واقع نماد شاخص‌های اصلی این حزب است. واژه «جبهه» نشانه روند شکل‌گیری آن از سوی سه مؤلفه گوناگون در مردادماه سال ۷۹ است؛ اما رویکرد این «جبهه» تماماً در چارچوب مفهوم حزب می‌گنجد. هسته اصلی جبهه مشارکت را دانشجویان پیرو خط امام تشکیل داده‌اند. آن‌ها جوانان انقلابی از طبقه متوسط شهری با گرایش چپ اسلامی بودند که آرمان‌گرایی و عمل‌گرایی وجه مشخصه اصلی‌شان بود. مؤلفه دیگر بنیان‌گذاری این جبهه، نواندیشان دینی بودند که قرائت انسان‌گرایانه و مشارکت‌جویانه‌ای از اسلام سیاسی داشتند. شعارهای اصلی جبهه

مشارکت که خطوط فکری این مجموعه را نیز مشخص می‌کند عبارت‌اند از «ایران برای همه ایرانیان» و «معنویت، عدالت، آزادی» که با توجه به شعارهای مطرح‌شده توسط روشنفکران دینی آرمان‌گرا در گذشته مانند دکتر علی شریعتی همان «عرفان، برابری، آزادی» است که از آرمان‌های شیعه سخن می‌گوید. مؤلفه سوم؛ سیاست‌مداران و تکنوکرات‌ها معتقد به رشد و سربلندی ایران بودند که در دولت رفسنجانی به کار دستگاه‌های اجرائی کشور جلب شدند و به لیبرالیسم و اقتصاد باز معتقد بودند. این سه مؤلفه در همسویی نانوخته‌ای سازمان‌گر اصلی جنبش دوم خرداد سال ۷۶ بودند. مؤسسين و اعضای ارشد جبهه مشارکت بر این باورند که تمام کشورهای دارای فرهنگ مذهبی - سنتی نیز با اصلاح ساختار فرهنگی جامعه خود (در کنار اصلاح ساختار سیاسی) و تولید فرهنگ مدرن برآمده از سنت‌های بومی (علیرغم مقاومت شدید سنت‌گرایان) می‌توانند جزو کشورهای مدرن جهان باشند و در ایران مردم‌سالاری باید از درون و با اصلاحات در داخل کشور محقق شود. دبیر کل سابق این جبهه محمدرضا خاتمی، نایب‌رئیس مجلس ششم و برادر رئیس‌جمهور سابق سید محمد خاتمی بود که از تابستان ۱۳۸۵ جای خود را به محسن میردامادی داد. از دیگر مقامات مشهور این حزب می‌توان سعید حجاریان را نام برد (Nozari, 2001: 322). در ماده ۳ فصل اول اساسنامه جبهه مشارکت در بیان هدف از تشکیل حزب آمده است: ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت ملت ایران در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که منجر به دخالت مستقیم آنان در سرنوشت سیاسی خودشان گردد. به‌منظور حفظ دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی و تداوم آرمان‌های حضرت امام (Nozari, 2001). جبهه مشارکت که در پاسخگویی به وظیفه مبرم هر ایرانی در این مرحله از انقلاب اسلامی موجودیت می‌یابد دیدگاه‌ها و مواضع زیر را مرام و مبنای فعالیت خود قرار داده و امیدوار است بتواند در حد توان خود در تحقق سه اصل آزادی در بیان اندیشه، منطق در گفتگو و قانون در رفتار اجتماعی بپردازد (Nozari, 2001: 344-360). ارگان رسمی حزب مشارکت در بدو تأسیس هفته‌نامه «مشارکت» به مدیریت مسئولی محمدرضا خاتمی دبیر کل این حزب بود که بعدها به روزنامه تبدیل شد، ولی با توقیف فعالیت این نشریه در اردیبهشت ۱۳۷۹، روزنامه «نوروز» به مدیریت مسئولی محسن میردامادی عضو شورای مرکزی این حزب را می‌توان به‌عنوان سخنگوی جبهه مشارکت به حساب آورد (Nazeri, 2003: 101). مرامنامه جبهه مشارکت یک مقدمه و ۱۲ بخش دارد که از برنامه‌های آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری اخذشده است. حزب مشارکت بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ از ادامه فعالیت محروم شد.

تحلیل؛ جنگ تحمیلی و عوارض آن زمینه‌های شکل‌گیری مطالبات سیاسی و مدنی را در جامعه تضعیف، یا به آن‌ها فرصت نمود نمی‌داد. در طول دهه هفتاد مطالبات اجتماعی و سیاسی کش‌گران در قامت اصلاح‌طلبی منعکس شد. دولت خاتمی برآمده از تجمیع مطالبات اجتماعی به‌خصوص سیاسی (توسعه سیاسی) بود که نیروی محرکه آن را جوانان سابق پیرو خط امام استارت زده بودند. شاخصه اصلی جوانان دیروز و میان‌سالان جبهه دوم خرداد، گرایش‌های چپ مذهبی و سیاسی با رویکردی روشنفکرانه

بود. جبهه دوم خرداد تکنوکرات‌های دولت سازندگی، روحانیون مبارز و ... را نیز شامل می‌شد؛ اما عمده‌ترین نیروی سیاسی این جبهه پس از پیروزی کاندید موردنظر یعنی محمد خاتمی در چارچوب جبهه مشارکت ایران اسلامی جمع شدند که اکثر کرسی‌های مجلس ششم را نیز به تصاحب خود درآوردند. فعالان این حزب در طول دولت خاتمی و مجلس ششم بیشترین چالش را برای کنش سیاسی سنتی به وجود آوردند. پدر معنوی این حزب را باید رئیس‌جمهور دولت اصلاحات یعنی محمد خاتمی دانست که برادرش محمدرضا خاتمی اولین دبیر کل حزب شد. پایگاه اجتماعی فعالان حزب مشارکت عمدتاً طبقه متوسط شهری بود. شعار این جبهه «ایران برای همه ایرانیان» بود. با توجه به مناسبات شهرنشینی، مطالبات این طبقه در سمت‌وسوی شکل‌گیری و تقویت جامعه مدنی قرار می‌گیرد و از این نظر فعالان این حزب دارای الگوی کنش عقلانی معطوف به هدف بودند.

تفسیر؛ در بیانیه اعلام موجودیت جبهه مشارکت ایران اسلامی عنوان شده است: «نیروی حیاتی انقلاب پس از موفقیت عظیم خود در انهدام نظام استبدادی و وابسته سلطنت و تأسیس و تثبیت نظامی نوین، امروز به نشاط و سرزندگی ایران اسلامی معطوف شده است و انگیزه‌های مشارکت‌جویانه مردم را به سوی طرح خواسته‌های صریح و مستقیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سوق می‌دهد. از این رو در آغاز دهه سوم انقلاب اسلامی، وظیفه مبرم و عمل صالح، ساماندهی فضای سیاسی، اجتماعی و سازمان‌دهی نهادها و قالب‌هایی است که این مطالبات بی‌واسطه را پالایش کرده و در خدمت فرآیند تصمیم‌گیری کلان کشور قرار دهد. امروز بقا و دوام شور انقلابی و تضمین انگیزه مشارکت‌جویی مردم در گرو تأسیس و تقویت نهادهای مدنی، تعمیق بنیادهای نظری مشارکت اجتماعی و گسترش زمینه‌های عملی این مشارکت، قانونمند کردن رقابت‌های سیاسی، عرضه چهره‌ای جذاب و مقبول از نظام مبتنی بر اسلام ناب، انتقال حافظه تاریخی و تجارب سیاسی به نسل دوم انقلاب و سامان دادن نظام توزیع قدرت در میان مردم است». قانون اساسی میثاق گران سنگ ملت و حاصل خون شهیدان و مجاهدات مردان و زنان شریف ایران سرفراز است که بر پایه مواضع بنیادین انقلاب اسلامی «استقلال، آزادی و جمهوری-اسلامی» قرار دارد و چارچوب حقوقی مناسبی برای پاسخگویی به این ضرورت است. به رسمیت شناخته شدن حقوق پایه شهروندان و آزادی‌های مدنی و اصل برابری حقوقی راه را برای توسعه و نوسازی سیاسی ایران هموار می‌سازد و اینک فعلیت یافتن تمامی ظرفیت‌های نهفته در قانون اساسی، نیازمند تلاش دسته‌جمعی و سازمان‌یافته نیروهایی است که ریشه در انقلاب اسلامی، دل در گرو ایران‌زمین و چشم به افق روشن آینده دارند. «غلبه بر موانع و نابسامانی‌های دیرپای اقتصادی و اجتماعی و ایجاد زمینه‌های بالندگی و شکوفایی علمی و فرهنگی، مستلزم حرمت نهادن به خرد نقاد و توان جمعی است. بدین سبب دستیابی به توسعه همه‌جانبه، پایدار و موزون را باید زمانی محقق دانست که فرآیندهای تبادل نظر و جریان آزاد اطلاعات که لازمه خرد جمعی و اعتماد عمومی است، در سازوکارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دخالت داده شود. گشایش و تطیف فضای گفتگو و اندیشه و تمهید و تضمین

لوازم برقراری جدال احسن و گسترش روح قانون‌گرایی، راه اصلی بهره‌مندی از توان فکری نخبگان و فعلیت یافتن ظرفیت‌های نظری و عملی جامعه است. عزم ملی هنگامی به‌سوی اهداف توسعه و پیشرفت جزم می‌شود که هزینه‌های آن یکسان در میان شهروندان سرشکن‌شده و همگان در مسیر کسب مواهب توسعه، فرصت‌هایی برابر داشته باشند. بدیهی است که دستیابی به توسعه و رفاه ملی مستلزم کار و تلاش خستگی‌ناپذیر آحاد ملت و به‌کارگیری همه امکانات ملی و فرصت‌های بین‌المللی جهت تولید هرچه بیشتر و آبادانی کشور است. در این مسیر اهتمام خاص به وضع معیشت مستضعفان و زحمتکشان و مقابله با فساد، فرصت‌طلبی و تبعیض سیاسی و اقتصادی نه‌فقط آرمانی انسان دوستانه، بلکه هدفی ترقی‌خواهانه و گامی در مسیر مردم‌سالاری تلقی می‌شود. روشن است که تبدیل این اصول و آرمان‌ها به راهبردها و برنامه‌ها، درگرو وجود و توسعه احزاب، سازمان‌ها و نهادهایی است که به‌گونه‌ای حرفه‌ای، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های کشور را بررسی کرده و نیروهای مستعد و کارآمد را برای انجام برنامه شناسایی و تربیت کنند. با عنایت به آنچه آمد و در پاسخگویی به وظیفه مبرم هر ایرانی در این مرحله از انقلاب اسلامی، امضاء کنندگان این بیانیه که توفیق حضور در عرصه‌های مختلف این انقلاب شکوهمند را داشته‌اند، ضمن ارج‌گذاری به تلاش صادقانه همه احزاب و گروه‌های سیاسی، بر پایه اعتقاد، درک و تجربه مشترک خویش عزم خود را بر پایه‌گذاری حزبی تحت عنوان «جبهه مشارکت ایران اسلامی» به‌عنوان یک نهاد جدید و فراگیر سیاسی اعلام می‌دارند. امید است که این نهاد جدید بتواند با عمل به آموزه‌های دینی و رعایت معیارهای قانونی و بر اساس موازین شناخته‌شده اجتماعی و سیاسی، گام مؤثری در راه اعتدالی میهن اسلامی بردارد و در حد توان خود در تحقق سه اصل آزادی در بیان اندیشه، منطقی در گفت‌وگو و قانون در رفتار اجتماعی بکوشد» (Nowruz site, 20014). در مرامنامه این حزب به عدالت‌گستری و تبعیض زدایی و ایجاد امکانات برابر برای همه افراد جامعه به‌عنوان مواضع اقتصادی و احترام به آزادی‌های قانونی افراد و مشارکت و رقابت در تعیین سرنوشت خود، استقلال کشور و اقتدار ملت و... به‌عنوان مواضع سیاسی اشاره شده است که خود تا حدودی مبین دیدگاه‌های جامعه‌گرایانه (سوسیالیسم) و مردم‌سالاری (دمکراتیک) است (Shadlou, 2000: 377). آنچه در بیانیه اعلام موجودیت جبهه مشارکت برجستگی دارد تأکید بر مطابقت نظام با شرایط جامعه جهت پیشرفت و بالندگی اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه توسعه سیاسی است. نکته اساسی که در بیانیه به چشم می‌خورد دفاع از قانون اساسی است. سؤال مهمی که به ذهن می‌رسد اینکه؛ آیا قانون اساسی مورد دفاع جبهه مشارکت ظرفیت مطابقت ساختارها و شرایط جدید اجتماعی جهت بالندگی را دارد؟ تأکید فعالان این حزب بر قانون‌گرایی نشان‌دهنده رویکرد عقلانی آنان است. از طرفی با بررسی سابقه فکری فعالان مشارکت، تأثیرپذیری‌شان از روشنفکری دینی را می‌توان دید که از آرمان‌گرایی ایدئولوژیک دوران جوانی و انقلابی‌گری‌شان کاسته شده است. این تأثیرپذیری و تعدیل را می‌توان در شعار «معنویت، عدالت، آزادی» این حزب دید که تغییریافته شعار «عرفان، برابری، آزادی» شریعتی است. در نتیجه اینکه؛ الگوی کنش فعالان این

حزب عقلانی معطوف به ارزش نیز بوده است. همان‌طور که اشاره شد مرامنامه مشارکت دارای هم‌سنخی با برنامه‌های دولت خاتمی بود لذا، بخشی از الگوهای کنش فعالان این حزب با توجه به اتکای به شخص خاتمی و وابستگی‌های سنتی به روحانیون مبارز سنتی نیز بوده است. دبیر کلی محمدرضا خاتمی گویای این موضوع است. قابل استنباط است که؛ الگوی کنش فعالان حزب مشارکت تلفیقی از سنت و عقلانیت معطوف به هدف و ارزش بوده است؛ اما در هر صورت الگوی کنش فعالان حزب مشارکت با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب که الگوی کنش عقلانی را می‌طلبد سازگار بوده است. به دلیل اعمال محدودیت برای فعالیت این حزب، بعد از حوادث سال ۱۳۸۸، فعالیت اعضای آن تعلیق و سپس خود حزب نیز منحل اعلام شد.

فعالان حزب اسلامی کار: حزب اسلامی کار در ۱ اسفند ۱۳۷۷ توسط رهبران خانه کارگر تأسیس شد. خانه کارگر از تشکلهای کارگری ایران است که اعضای شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی پس از منحل شدن همه سندیکاهای کارگری در سال‌های آغازین دهه ۶۰ (برای از بین بردن پشتوانه قدرتمند گروه‌های کمونیست مخالف نظام) ایجاد کردند. هدف خانه کارگر پر کردن خلأ ناشی از انحلال سندیکاها و کانالیزه کردن حرکت‌های کارگری در چارچوب موردقبول نظام بود. به عبارتی خانه کارگر مأوای اقتصادی کارگران و حزب اسلامی کار مأوای سیاسی آنان است. خانه کارگر در ادامه فعالیت‌های خود خبرگزاری ایلنا را نیز تأسیس کرد که پس از وفقه‌ای چندساله در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد (به دلیل توقیف آن به خاطر پوشش دادن اخبار اعتراضات کارگری و دانشجویی) دوباره فعالیت خود را از سر گرفت (Nozari, 2001: 401-403). با این‌که حزب اسلامی کار برخاسته از حزب کارگر است و عمده تلاش حزب کارگر جذب کارگر است اما حزب اسلامی کار جذب مدیران صنایع و کارفرمایان را نیز در دستور کار خود قرار داده است؛ و تلاش می‌کند عوامل تولید را به هم نزدیک کند (Nozari, 2001). هدف حزب برقراری عدالت اجتماعی و توسعه مشارکت سیاسی و اجتماعی است که با اتکای اعضا و هواداران حزب از طریق تعمیم سازمان‌دهی میان اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی همچون جوانان، زنان، کارگران، کارمندان، کشاورزان، فرهنگیان، دانشجویان و متخصصان، دانش آموزان، روحانیان، مدیران، اصناف و ... تحقق می‌یابد (Darabi, 2000). در انتخابات مجلس پنجم خانه‌ی کارگر، با گروه کارگزاران سازندگی که دارای دیدگاه‌های راست مدرن بودند ائتلاف کردند و در هنگامی که اکثر نیروهای چپ به دلیل رد صلاحیتشان یا به دلیل اعتراض به عملکرد شورای نگهبان از صحنه‌ی انتخابات خارج بودند با آراء فراوانی وارد مجلس شدند. در این دوره نامزدهای اصلی خانه‌ی کارگر یعنی علی‌رضا محبوب، ابوالقاسم سرحدی زاده و سهیلا جلودار زاده به مجلس راه یافتند و در مجلس پنجم جزء ائتلاف نیروهای چپ و کارگزاران (مجمع حزب‌الله مجلس) در مقابل جناح اکثریت مجلس که اکثراً از جناح راست سنتی یعنی جامعه روحانیت مبارز و جمعیت موفله‌ی اسلامی بودند قرار داشتند (Fawzi, 2006). در انتخابات دوره‌ی هفتم ریاست جمهوری، خانه‌ی کارگر در ائتلاف جبهه‌ی

دوم خرداد از سید محمد خاتمی حمایت کرد بعد از انتخاب شدن خاتمی به ریاست جمهوری و در راستای تحقق شعارهای رئیس‌جمهور مبنی بر توسعه‌ی سیاسی عده‌ای از اعضای مرکزی تشکیلات خانه‌ی کارگر تصمیم به ایجاد حزب جدیدی به نام حزب اسلامی کار با کارکرد بیشتر سیاسی و کمتر صنفی گرفتند (Shadlou, 2001: 263).

تحلیل؛ اکثر فعالان کارگری سال‌های ابتدایی انقلاب در چارچوب احزاب متمایل به ایدئولوژی مارکسیسم کنش سیاسی- اجتماعی داشته‌اند. تضاد و تناقض گرایش‌ها مارکسیستی با آرمان‌ها و ایدئولوژی انقلابی طیف مسلط سبب حذف آن‌ها از عرصه سیاسی و عمدتاً اجتماعی جامعه شد. با توجه به اینکه کارگران بخصوص در اوایل انقلاب دارای پایگاه گسترده‌ای بودند، گروهی از کنشگران سیاسی بنا به وابستگی‌هایی که به این قشر داشتند اقدام به تأسیس خانه کارگر نمودند که در واقع جایگزینی برای گروه‌های کارگری مغضوب نظام بود. خانه کارگر جهت پایگاه اقتصادی کارگران و حزب اسلامی کار به‌عنوان پایگاه سیاسی آنان تأسیس گردید. ابوالقاسم سرحدی زاده (دبیر کل حزب اسلامی کار) علت تشکیل این حزب و جدایی آن از هسته‌ی اولیه‌ی آن یعنی خانه‌ی کارگر را چنین بیان می‌کند: «خانه‌ی کارگر نهادی است که برای پیگیری نیازهای صنفی جامعه کارگری تشکیل شد و کمتر محتوای سیاسی دارد. از آنجاکه خانه کارگر به این نقصان در مجموعه‌ی خود پی برد تصمیم به این گرفته شد که حزب اسلامی کار به وجود بیاید. این حزب در واقع از بطن خانه‌ی کارگر و بنا به ضرورت فعالیت‌های سیاسی کارگران تأسیس شد تا به‌عنوان نماینده‌ی سیاسی مجموعه‌ی نیروهای مولد که بخشی از آنان را کارگران تشکیل می‌دهند، از تمامی ابزارها از جمله ابزار سیاسی برای ارتقاء تولید و اعتلای مفهوم کار استفاده کند» (Today's sunshine newspaper, 1999/9/11).

تفسیر؛ اهداف حزب چنین عنوان شده است: ۱. فعالیت در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استقرار عدالت اجتماعی از طریق تأمین حداقل زندگی برای همه. ۲. محو فاصله طبقاتی فاحش در میان اقشار جامعه و مبارزه با تمامی مظاهر تبعیض. ۳. تکیه بر ارزش کار و ترویج فرهنگ صحیح آن و تأکید بر مفهوم واقعی کار به‌عنوان عملی ارزشی و یگانه ابزار راهبردی توسعه کشور. ۴. نفی هرگونه استثمار. ۵. تأمین رفاه بیشتر نیروهای مولد جامعه و تلاش برای تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و... این مرامنامه در ۲۰ بند در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۴ به تصویب دومین کنگره سراسر حزب رسید (Darabi, 2001: 293). حزب اسلامی کار جزء گروه‌های ائتلافی جبهه‌ی دوم خرداد است به همین جهت همواره از اکثر مواضع جبهه دوم خرداد حمایت نموده است با این حال پاره‌ای از دیدگاه‌های سیاسی این حزب عبارت‌اند از: ۱. ولایت‌فقیه رکن اساسی نظام جمهوری اسلامی و جزء لاینفک آن است و به همین جهت از او پشتیبانی می‌شود. ۲. این حزب بر مشارکت بیشتر مردم در تمامی صحنه‌ها و خرد جمعی به‌جای فردگرایی و خودمحوری تأکید می‌نماید. ۳. این حزب بر آزادی‌های مردم بر طبق موازین قانون اساسی تأکید و بر پرهیز از هرگونه خشونت برای رسیدن به مقاصد سیاسی تأکید می‌کند. ۴. این حزب

همواره بر اصل جمهوریت و اسلامیات نظام به‌عنوان دو محور اصلی حکومت در نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده است و جدا کردن این دو اصل از یکدیگر را زمینه‌ساز استبداد می‌داند. ۵. همچون دیگر گروه‌های مدافع جبهه‌ی دوم خرداد، حزب اسلامی کار هم از شعار توسعه‌ی سیاسی و جامعه‌ی مدنی حمایت نموده چنان‌که این دو شعار و برنامه را مولود خواست مردم معرفی می‌نماید و بر کارآیی این برنامه تأکید نموده است. ۶. حزب اسلامی کار بر این باور است که ادامه‌ی روند اصلاحات در جمهوری اسلامی ایران اجتناب‌ناپذیر است و مخالفت با آن یعنی مخالفت با خواست مردم و مصلحت نظام در همگام شدن با اصلاحات و هدایت آن به‌سوی نظام مردم‌سالار است. ۷. این حزب ضمن تقبیح هرگونه خشونت به نام دین و تئوریزه کردن خشونت و برداشت یک‌سویه از دین، دو طراز فکر اسلام طالبانی و دموکراسی لیبرال را رد می‌کند (Islamic work Party Site, 1999). در اهداف حزب اسلامی کار بر عدالت اجتماعی، حذف فاصله طبقاتی، رفع تبعیض، نفی استثمار و ... تأکید شده است که این اهداف قرابت زیادی با شعارهای کمونیستی دارد. با این تفاوت که قید فعالیت در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی در ابتدای آن آمده است. با توجه به پذیرش جریان اجتماعی- سیاسی اصلاح‌طلبی در جامعه به‌عنوان واقعیتی اجتناب‌ناپذیر و قرار گرفتن این حزب در مجموعه اصلاحات، می‌توان پذیرفت که الگوی کنش فعالان حزب اسلامی کاری عقلانی معطوف به هدف است. طرد قرائت طالبانیسم و لیبرالیسمی از دین و عدم ارائه قرائتی مشخص از ایدئولوژی باعث شده تا الگوی کنش فعالان این حزب در وضعیتی سردرگم قرار گیرد. الگوی کنش فعالان این حزب در چالش‌های سیاسی- اجتماعی با توجه به تأکیدی که بر ماندن بر چارچوب سیاسی متعارف حاکمیت دارد در سمت‌وسوی نسبت به سنت و احساس قرار می‌گیرد. لذا امکان شیفت فعالان این حزب به منافع گروهی خود و نه منافع اقشار کارگری بیشتر است. قابل استنباط است که؛ الگوی کنش فعالان حزب اسلامی کار تلفیقی از سنت و احساس و تا حدودی عقلانیت معطوف به هدف است و از این نظر با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب که الگوی کنش عقلانی را می‌طلبد چندان سازگار نیست.

فعالان حزب اعتدال و توسعه: این حزب در سال ۱۳۷۸ به رهبری حسن روحانی تأسیس شد. چندین تن از دولتیان مانند محمود واعظی، محمدباقر نوبخت و اکبر ترکان عضو این حزب‌اند و در دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران مشغول به کار هستند. مهم‌ترین بنیان‌گذاران حزب اعتدال و توسعه عبارت‌اند از: محمدباقر نوبخت، محمدرضا نعمت‌زاده، اکبر ترکان، فاطمه هاشمی رفسنجانی، محمود واعظی، حسین موسویان، سید احمد زرهانی، مرتضی محمدخان، مجید قاسمی، صلاح‌الدین دلشاد، محمدحسن تولایی و زهرا پیشگاهی فرد. چهره‌های مذکور پاییز سال ۱۳۷۸ پس از دیدار با آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی و مشورت با وی بر عملی کردن تصمیمشان جدی‌تر شدند. در آن زمان حزب کارگزاران سازندگی، دوران افول خود را طی می‌کرد و از سوی دیگر منتقدان در روزنامه‌هایشان، شدیدترین حملات را علیه هاشمی رفسنجانی صورت می‌دادند. حضور فاطمه هاشمی رفسنجانی در شورای مرکزی حزب، خود گویای میزان

اعتقاد هاشمی به تأسیس چنین حزبی بود. بنیان‌گذاران حزب، پس از مشورت با هاشمی با حسن روحانی هم مشورت کردند و وی از این تصمیم بسیار استقبال کرد. در نهایت در آستانه برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹-۱۳۷۸)، این حزب رسماً تشکیل و محمدباقر نوبخت به‌عنوان دبیر کل آن انتخاب شد. حسن روحانی از همان ابتدای تشکیل حزب در بیشتر جلسات شورای مرکزی شرکت می‌کرد. در اولین کنگره حزب که بهمن‌ماه سال ۱۳۸۲ برگزار شد، کاظم جلالی (نماینده شاهرود)، حمیدرضا حاجی‌بابایی (نماینده همدان)، مرتضی بانک، غلامعلی دهقان و حمیدرضایی قلعه به عضویت شورای مرکزی درآمدند. البته، کاظم جلالی و حمیدرضا حاجی‌بابایی پس از کمتر از ۴ سال از حزب کناره‌گیری کردند (Iran Network, 2013). دهقان سخنگوی حزب اعتدال و توسعه در مورد نسبت این حزب با کارگزاران بیان داشته که؛ دو نفر از بنیان‌گذاران کارگزاران سازندگی یعنی آقایان ترکان و نعمت زاده بعد از تحولی که در سطح کلان سیاسی کشور ایجاد شد دیگر عضو کارگزاران نبوده‌اند و در سال ۷۸ که حزب اعتدال و توسعه تشکیل شد، جزو بنیان‌گذاران این مجموعه شدند، بنابراین اعتدال و توسعه قربت نزدیکی با کارگزاران داشته است. وی تفاوت‌های این حزب با کارگزاران سازندگی را از تفاوت بین فائزه هاشمی تا فاطمه هاشمی دانست و گفته‌اند؛ «حزب اعتدال و توسعه قطعاً با کارگزاران سازندگی تفاوت‌هایی دارد. این تفاوت از فائزه هاشمی تا فاطمه هاشمی است. سیاست ما نیز این بوده که از اعتدالیون عرصه سیاست کشور حمایت کرده و از دوستانی که منش اعتدالی داشته باشند، حتی تا آنجا که اگر آن فرد اصول‌گرا باشد از آن حمایت خواهیم کرد» (Namayandeh site, 2016/1/8).

تحلیل؛ در دوره‌ای که اصلاح‌طلبان دولت و مجلس را از آن خودکرده بودند و مشی پیش‌روانه‌ای را علیه حاکمیت و نیز نسبت به هاشمی‌رفسنجانی داشتند. عده‌ای از نزدیکان و باورمندان به هاشمی جهت تأسیس حزب اعتدال و توسعه با او مشورت نمودند و با تأیید ضمنی هاشمی اقدام به ایجاد این حزب کردند. همان‌طور که از وجه تسمیه این حزب پیداست، دغدغه اصلی فعالان آن مشی معتدل و واقع‌گرایانه نسبت به ظرفیت‌های سیاسی نظام است. حزب اعتدال و توسعه و حزب کارگزاران به هاشمی‌رفسنجانی نزدیک بودند. تفاوت میان این دو حزب را باید در رویکردهای سیاسی و انتقادی فعالان آن‌ها دنبال کرد. سخنگوی این حزب تفاوت میان این دو حزب را با تفاوت میان فائزه و فاطمه هاشمی توضیح می‌دهد. به گفته هاشمی رفسنجانی ایجاد جناح اعتدالی در برابر دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، برای تقویت ستون‌های نظام ضروری است. در واقع فعالان حزب اعتدال و توسعه مشی اعتدالی خود را جهت حفظ و دفاع از نظام می‌دانند و هاشمی‌رفسنجانی را به‌عنوان شخصیت اصلی و شاقول نظام در نظر داشتند. موجودیت این حزب در سمت‌وسوی نسبت به دغدغه‌های سیاسی بوده است و در حوزه اقتصادی چندان با حزب کارگزاران تفاوت ندارد. چنانچه در حال حاضر در دولت روحانی هم می‌بینیم که برنامه‌های اقتصادی دولت تقریباً همان برنامه‌های اقتصادی کارگزاران است. لذا ضرورت ایجاد دولت روحانی و حزب اعتدال و توسعه را باید در چالش‌های سیاسی پیش‌آمده در حوزه داخلی و خارجی دید. چالش‌های

پیش آمده، کنشگران اجتماعی همچنین سیاسی را بر آن داشت که برای گریز از هزینه بالای اجتماعی و سیاسی به نقطه تعادلی نظام بازگردند. این بازگشت را باید یک چرخش محافظه کارانه از سوی کنشگران اجتماعی و سیاسی دانست.

تفسیر؛ هاشمی رفسنجانی در دیدار با اعضای اصلی این حزب که جهت کسب رخصت از او برای تأسیس آمده بودند گفت: اداره کشور با یک جناح فاجعه است و در عوض همه نیروهای معتدل در دو جناح باید متحد شوند تا توسعه سیاسی - اقتصادی را به پیش برند و ستون‌های نظام را تقویت کنند. به گفته سید حسین موسویان از بنیان گذران حزب اعتدال و توسعه طبق توصیه رفسنجانی، بهترین گزینه برای رهبری حزب، حسن روحانی بود. از این متن بالا رویکرد سنتی بزرگ‌گرایی قابل برداشت است زیرا تأسیس و معرفی رهبر حزب هر دو به توصیه هاشمی صورت پذیرفته است. از طرفی با توجه به سوگیری فعالان این حزب نسبت به ماندن در مشی نظام که در واقع همان ماندن در سنت‌های نظام است و تعریف این مشی برابر هاشمی و استفاده از نزدیکان هاشمی در حزب، می‌توان بیان داشت که الگوی - کنش فعالان حزب اعتدال و توسعه سنتی است. قابل استنباط است که الگوی کنش فعالان حزب اعتدال و - توسعه سنتی و تا حدودی عقلانی معطوف به هدف است و از این نظر با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب که الگوی کنش عقلانی را می‌طلبد سازگار نیست.

فعالان ائتلاف آبادگران ایران اسلامی: با نزدیک شدن به انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی» تصمیم گرفت تشکلی را با نام جدید در انتخابات شوراهای شرکت دهد. پس از رایزنی‌های بسیار، سرانجام نام «آبادگران ایران اسلامی» به تصویب رسید و قرار شد آقایان محمود احمدی‌نژاد و حسین فدایی مسئولیت انتخاب کاندیدها و هدایت تبلیغات انتخاباتی را در تهران، مراکز استان‌ها و شهرستان‌های مهم بر عهده بگیرند. در ۲۰ بهمن ۱۳۸۱ و در بجنوبه تبلیغات گروه‌های شناخته شده سیاسی، تعدادی از اصولگرایان گمنام با نام «ائتلاف آبادگران ایران اسلامی» جهت حضور در شورای شهر تهران اعلام موجودیت کردند. مهدی چمران برادر کوچک‌تر مصطفی چمران، استاد رشته معماری دانشکده فنی تهران و مسئول سابق بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، شاخص‌ترین فرد این گروه بود که سخنگویی آنان را نیز بر عهده داشت. او «انتخابی آگاهانه، عملکردی مسئولانه و شهری آباد» را به عنوان شعار محوری گروه مطرح کرد. در اولین جلسه مطبوعاتی این گروه، علاوه بر چمران، دکتر عباس شیبانی نماینده ادوار گذشته مجلس و استاد دانشکده علوم پزشکی تهران، نادر شریعتمداری عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت، نسرین سلطان - خواه عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، خسرو دانشجو عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد و حسن بیادی کارشناس ارشد صنایع نیز حضور داشتند. سخنگوی ائتلاف آبادگران در میثاق پنج‌گانه، التزام به قانون اساسی و ولایت فقیه را «محکم‌ترین سند وفاق ملی» خواند و از تلاش برای از بین بردن تبعیض و گسترش فرهنگ عدالت‌خواه، ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی و سیاسی، صداقت در گفتار و سلامت

در عمل و پایبندی به روال منطقی تصمیم‌گیری جمعیت و احترام به نظر اکثریت سخن گفت. در دومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا ۶۴ درصد کرسی‌های شوراهای سراسر کشور در اختیار نیروهای ائتلاف نوظهور آبادگران قرار گرفت. در تهران نیز تمامی ۱۵ کرسی شورای شهر به تسخیر آبادگران درآمد (Tebayan site, 2009/7/17) و چهره‌های سیاسی دوم خرداد رأی بسیار پابینی کسب کردند.

تحلیل؛ دولت اصلاحات سبب آزاد شدن انرژی زیادی در میان مردم و بخصوص جوانان شده بود. از نظر فرهنگی انرژی و مطالباتی به جامعه انتقال پیدا کرده بود که امکان مطابقت ساختار قدرت با آن وجود نداشت؛ زیرا بنا به پیچیدگی ساختار قدرت در ایران و عدم استقلال کامل دولت، به تبع آن دولت اصلاحات از پاسخ‌دهی مناسب به مطالبات نوپدید اجتماعی ناتوان مانده بود. روند نارضایتی اجتماعی از دولت اصلاحات در بخشی از کنشگران سبب انفعال سیاسی و مشارکتی و در بخشی دیگر باعث شیفت کردن به سمت ایدئولوژی انسجام بخش شده بود. به این مسئله باید انسجام بیشتر نیروهای موسوم به اصول‌گرا را اضافه نمود. شعارهای فرهنگی پیش‌روانه دولت اصلاحات باعث تجمع و انسجام بیشتر اصول‌گرایان شده بود. در نتیجه‌ی عواملی که بدان اشاره شد، آبادگران به عنوان یک تشکل نو پا توانست اکثریت آراء در انتخابات شوراهای را به خود اختصاص دهد. در انتخابات شوراهای تهران به پیروزی قاطعی دست یافت و محمود احمدی‌نژاد شهردار تهران شد. این مسئله مسیر پیروزی احمدی‌نژاد را برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ هموار نمود. تأکید این گروه در حوزه اجرایی بر استفاده از مدیران دین‌باور و مردمی است. تأکید بر اداره مستقیم مردم و رودررویی با مردم که می‌توان نمود آن را در سفرهای استانی و سخنرانی‌های احمدی‌نژاد نیز دید، ذهن را به سمت اعتقاد فعالان این گروه به اداره توده‌ای جامعه می‌برد. در دولت احمدی‌نژاد طرح هدفمندی یارانه‌ها اجرا شد. او به مجلس چندان اعتنایی نداشت و بر هیجانات توده تکیه می‌کرد. این مسائل توده‌گرا بودن دولت احمدی‌نژاد و فعالان آبادگران یا برآمدن این تشکل از وضعیتی توده‌ای را قابل دفاع می‌کند.

تفسیر؛ خطی مشی و راهبردهای آبادگران به این شرح است: ۱. عدالت‌خواهی و نوخواهی در همه-ی عرصه‌های فردی اجتماعی و تلاش برای دستیابی به توسعه‌ی همه‌جانبه و متوازن و عدالت محور. ۲. تحول‌گرایی و نوخواهی مستمر عقلانی در چارچوب مبانی مترقی اسلام و قانون اساسی و استفاده از روش‌های و سازوکارهای جدید و مبتنی بر اصول علمی و تجربی برای تضمین پویایی جامعه. ۳. تأکید به کرامت و منزلت انسان و حفظ و پایبندی به حقوق شهروندی در عرصه‌های گوناگون و تأمین امنیت اجتماعی مردم. ۴. تقویت آزاداندیشی و مبارزه با تصلب و تحجر و تأویل و التقاط و همچنین گسترش آزادی‌های مشروع و قانونمند در سپهر خصوصی و اجتماعی. ۵. اتکای به فرهنگ و هویت اسلامی ایران و ترویج خودباوری ملی با تأکید بر نقش و جایگاه برجسته‌ی روحانیون، دانشگاهیان و فرهنگیان به عنوان فرهنگ‌سازان و هادیان جامعه. ۶. اعتقاد و باور عمیق به امکان توسعه و آبادانی و پیشرفت همه‌جانبه‌ی

ایران با توجه به جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی آن در چارچوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله از طُرق گوناگون با تکیه بر تولید علم و فناوری نوین. ۷. اهتمام به تقویت روحیه‌ی همبستگی ملی و تلاش برای گسترش اعتمادسازی میان شهروندان و حاکمان. ۸. تلاش برای افزایش تحمل و مدارای حکومت با شهروندان و پرهیز از دخالت در حوزه‌ی خصوصی آنان. ۹. مبارزه نظام‌مند و بی‌امغاض با مظاهر فساد و تبعیض و عوامل به وجود آورنده آن در حکومت و قطع پیوند نامشروع کانون‌های قدرت و ثروت. ۱۰. شایسته-سالاری در به‌کارگیری مدیران و مقابله با سلطه‌ی روابط حزبی و بانندی و تبار گرایی در اداره‌ی کشور. ۱۱. حمایت از به‌کارگیری مدیران دین‌باور، مردم‌گرا، برخوردار از روحیه‌ی خدمتگزاری، کارآمد و متخصص و دارای بینش نظام‌مند و راهبردی جهت استفاده بهینه و مطلوب از امکانات و فرصت‌ها. ۱۲. گسترش فرهنگ نقد و پرسش‌گری و نظارت مؤثر مردم بر اعمال دولت‌مردان و پاسخ‌گویی مسئولانه و اقناعی آن به افکار عمومی با تأکید بر نقش ویژه‌ی روشنفکران و رسانه‌ها. ۱۳. تلاش برای افزایش رفاه مردم و تولید ثروت ملی و تأمین اجتماعی از طریق استفاده بهینه از سرمایه‌های انسانی و مادی کشور و رفع موانع تولید و تلاش برای تأمین امنیت سرمایه‌گذاری خصوصی. ۱۴. صداقت در گفتار و سلامت در عمل و پرهیز از رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی حاکمان و ضرورت ساده‌زیستی و پاک دستی آنان. ۱۵. گسترش نهضت خدمت‌رسانی صادقانه به مردم به‌عنوان متولیان اصلی کشور. ۱۶. تلاش در جهت گسترش اخلاق و معنویت و مناسبات سالم اجتماعی توسط دولت و تحکیم مبانی خانواده با تأکید بر ارتقای منزلت زنان در جامعه و نقش‌آفرینی جوانان. ۱۷. استقبال از تعاملات سازنده‌ی جهانی و مقابله‌ی مدبرانه با جهانی-سازی آمریکایی. ۱۸. حمایت از تحکیم و توسعه‌ی روابط با جهان اسلام و دفاع از تشکیل دولت فلسطینی در تمام سرزمین‌های فلسطین و هم‌گرایی و روابط مسالمت‌آمیز و متقابل با کشورهای همسایه. ۱۹. اعتماد به توسعه‌ی صلح عادلانه و امنیت جهانی و روابط صلح‌آمیز متقابل و تنش‌زدایی و زمینه‌سازی برای تشکیل دولت عدل الهی. ۲۰. پذیرش اصول راهبردی عزت، حکمت و مصلحت و نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری به‌عنوان جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی (Darabi, 2010: 242-244). اصول و مبانی فکری آبادگران بدین گونه بیان شده است: اعتقاد و پایبندی به: ۱. اسلام و آموزه‌های فردی و اجتماعی آن به‌عنوان یگانه راه سعادت و تعالی انسان‌ها ۲. کارآمدی اسلام در اداره‌ی اجتماع و تشکیل حکومت برای رشد و سعادت‌مندی جوامع بشری ۳. اصل مترقی در ولایت مطلقه‌ی فقیه به‌عنوان نماد عینی مردم‌سالاری دینی ۴. مبانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و قابلیت کارآمدی نظام به‌عنوان دستاورد بزرگ انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران. ۵. قانون اساسی به‌عنوان سند میثاق دینی و ملی مردم ۶. حفظ و تحقیق و ترویج اندیشه و آموزه‌ی امام خمینی (ره) معمار بزرگ انقلاب و نظام اسلامی ایران و رهنمودهای مقام معظم رهبری ۷. منشأ الهی حکومت و نقش تعیین‌کننده‌ی مشارکت عامه‌ی مردم و آرای عمومی در تجلی آن در نظام سیاسی کشور. فعالان این گروه منشأ حکومت را الهی می‌دانند. اسلام را تنها راه سعادت در همه ابعاد اجتماعی و سیاسی می‌دانند. زمانی که قرائت و تفسیر

خاصی از مذهب مبنای کنشگری سیاسی قرار می‌گیرد طبیعتاً همه‌چیز با محوریت آن قرائت ارزیابی می‌شود و همین موضوع سبب ایدئولوژی محوری می‌شود. با توجه به گرایش‌ها خاص ایدئولوژیک این گروه قابل استنباط است که؛ الگوی کنش فعالان آبادگران احساسی بوده است و از این نظر با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب که الگوی کنش عقلانی را می‌طلبد سازگار نیست.

فعالان حزب اعتماد ملی: حزب اعتماد ملی توسط مهدی کروبی پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و پس از کناره‌گیری از دبیری مجمع روحانیون مبارز تأسیس شد. این حزب پس از تأسیس، ضمن انتقاد از عملکرد اصلاح‌طلبان در جریان مجلس ششم، رویکرد و خط فکری جداگانه‌ای را اتخاذ نمود و در جریان انتخابات مجلس هشتم نیز مسیر خود را جدای از «اتلاف اصلاح‌طلبان» اعلام کرد. با وجود این که مهدی کروبی خود را اصلاح‌طلب می‌داند، معتقد است که محمد خاتمی به افراط‌گرایان اجازه داد تا اصلاحات را تخریب کنند. به گفته مهدی کروبی، تقلب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ موجب حذف وی شد. روزنامه اعتماد ملی و سایت خبری سخام‌نیوز سایت رسمی حزب اعتماد ملی، محل انتشار افکار سیاسی آنان بود؛ و روزنامه‌های اعتماد، آفتاب یزد، مردم‌سالاری، همبستگی و حیات نو از دیگر روزنامه‌های متمایل به این حزب بودند. اعضای هیئت مؤسس حزب عبارت‌اند از: مهدی کروبی، رسول منتجب‌نیا (قائم‌مقام دبیر کل)، رضا نوروززاده، اسماعیل گرامی مقدم، الیاس حضرتی، جواد اطاعت، ابراهیم امینی، رضا حاجتی، عبدالحسین مقتدایی، عبدالرضا سپهوند، اعظم سقطی، غلامرضا اسلامی بیگدلی، محمدجواد حق‌شناس، محمود زمانی قمی. با توجه به بافت نیروهای تشکیل دهنده حزب اعتماد ملی می‌توان این حزب را تلفیقی از چپ سنت‌گرا و چپ اصلاح‌طلب دانست. از نظر گرایش سیاسی باید گفت؛ گرچه این حزب از نیروهای چپ تشکیل شده است اما گرایش سیاسی این نیروها دارای چند بعد دیگر نیز هست از جمله آن‌ها نسبت به دیگر نیروهای چپ محافظه‌کارتر و سنت‌گراتر هستند. آن‌ها در عین حالی که بر دموکراسی و جمهوریت نظام تأکید دارند، بر ارزش‌های سنتی حاکم بر جامعه و ولایت‌فقیه و نقش و جایگاه آن در قانون اساسی تأکید دارند (Shadlou, 2000: 239-253). حوادث سال ۱۳۸۸ باعث گردید که فعالیت‌های این حزب متوقف شود البته اخیراً فعالیت‌های این حزب دوباره شروع شده است.

تحلیل: انشقاق میان نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ سبب شکست جریان اصلاح‌طلبی در این انتخابات شد. مهدی کروبی از جمله شکست‌خوردگان این انتخابات بود. وی به عملکرد نیروهای سیاسی دوم‌خردادی در این انتخابات انتقاد داشت؛ و بعد از انتخابات اقدام به تأسیس این حزب نمود. انتقاد اصلی کروبی به مشارکتی‌ها بود که آنان را تندرو می‌دانست. می‌توان گفت که؛ فعالان این حزب متشکل از نیروهای چپ محافظه‌کار و چپ سنت‌گرا است.

تفسیر: بخشی مرامنامه حزب اعتماد ملی بدین شرح است: «... گروهی از پیروان امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به‌منظور تداوم راه آن امام از طریق سیاست‌ورزی حرفه‌ای و دینی

«حزب اعتماد ملی» را بر پایه اصول، اعتقادات و آرمان‌هایی بدین شرح بنیان نهادند. ۱ - اندیشه اسلامی: پایه‌گذاران و اعضای حزب اعتماد ملی بر این باورند که در عصر کنونی به دلیل دوری از دین، اخلاق و معنویات و گسترش مهارگسیخته بی‌عدالتی تخریب طبیعت، پوچ‌گرایی و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، هویت و موجودیت بشر در معرض نابودی قرار گرفته و تنها راه رهایی و سعادت انسان‌ها بازگشت به دین و احیای ارزش‌های اخلاقی و معنوی آن است ... ما بر این باوریم که اسلام موردنظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره) همان اسلام راستین و ناب محمدی (ص) است و این اسلام است که هیچ‌گونه استبداد زمامداران، ستم حاکمان، تبعیض در حقوق شهروندان، تحجّر و واپس‌گرایی را بر نمی‌تابد، بنابراین اعتقاد و التزام عملی به اسلام و احکام حیات‌بخش آن ضامن سعادت، عزت و رشد روزافزون همه ما خواهد بود. از این‌رو، حزب اعتماد ملی از هرگونه گرایش به تفکرات غیردینی که نافی حضور سیاسی و اجتماعی دین در جامعه باشد مؤکداً اجتناب می‌ورزد. حزب اعتماد ملی بر این باور است که کلیات قواعد حقوق بشر که با جوهره اسلام و آموزه‌های دینی در تباین نباشد، مورد توجه و احترام است. هرچند که ضرورت دارد، میان تلاش‌های علمی در این باره و سوءاستفاده سیاسی از مفهوم حقوق بشر تفاوت قائل شد اما بر اساس قرائت امام خمینی (ره) از اسلام، در عمل می‌توان حرمت انسان و حقوق او را تأمین کرد. ۲ - جمهوریت: حزب اعتماد ملی «جمهوریت» را عنوان نماد و مظهر عینی مردم‌سالاری در کنار اسلامیات و آن را یکی از دو رکن اصلی و جدایی‌ناپذیر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند. به باور پایه‌گذاران و اعضای حزب اعتماد ملی، جمهوریت ره‌آورد گران‌بهای سیر تکاملی نظرات فقهای عظیم‌الشأن اسلام در یک صدسال پس از مشروطه است که توسط فقیه کم‌نظیری همچون امام خمینی (ره) پذیرفته و تأیید شده است که با جوهر اسلام و آموزه‌های دینی هیچ تباینی ندارد، بنابراین هرگونه شعار، اظهار و هر اقدام عملی که جمهوریت نظام را هدف گرفته و در تضعیف آن بکوشد اقدامی انحرافی و متضاد با اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی است... ۳ - قانون اساسی: حزب اعتماد ملی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان میثاق و سند هویت ملی تلقی نموده و بر اجرای همه اصول و محتوای آن تأکید می‌ورزد، در باور ما قانون اساسی میراث گران‌بهای مجاهدت‌های مبارزان و ایثارگران و خون‌بهای شهیدان است و لازمه احترام به آن، عمل به آن است و هرگونه برخورد گزینشی با اصول آن نادرست است. قانون اساسی بر محور اندیشه ولایت‌فقیه، حاکمیت ملت و تحکیم و استقلال قوا استوار شده و در چارچوب مبانی مردم‌سالاری دینی و انتخابات آزاد، نمود عینی پیدا می‌کند. با این همه، باید اذعان نمود که راه تکامل قانون اساسی همچنان باز است، اما تنها در چارچوب راهکارهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی، بر اساس رأی و نظر مردم، به‌نحوی که جمهوریت و اسلامیات نظام و مبانی غیرقابل تغییر آن از دست نروند، می‌توان در آن بازنگری کرد. حزب اعتماد ملی با اتکا بر اصول و بنیادهایی که در این مرامنامه مورد اشاره قرار گرفته وظائف و راهبردهای خود را تعیین می‌کند. این مرامنامه اصلی‌ترین سند دیدگاه‌های

حزب است و کلیه برنامه‌های حزب بر اساس آن، تدوین می‌شود...» (Site of Etemad Melli Party,) در مرامنامه حزب اعتماد ملی بر محوریت امام تأکید فراوانی شده است. از همان ابتدای مرامنامه بیان می‌شود گروهی از پیروان امام برای تداوم راه او حزب را ایجاد کرده‌اند. این نوع بیان یادآور الگوی کنش سنتی است که در اینجا شاخص آن سوگیری بزرگ‌محورانه نسبت به امام است. در مبحث مرتبط با اندیشه اسلامی مرامنامه نیز قرائت امام از اسلام معیار و محور دریافت اسلام راستین اعضاء قلمداد می‌شود. در مبحث مربوط به جمهوری مرامنامه، این ره‌آورد (جمهوریت) را حاصل تلاش فقها در یک‌صد سال اخیر می‌داند که در اندیشه امام به کمال مفهومی و عینی خود می‌رسد. لذا هیچ اشاره‌ای به فعالیت دیگر نیروهای اجتماعی و سیاسی نمی‌شود که این موضوع گویای گرایش‌ها ایدئولوژیک فعالان این حزب است و نشان‌دهنده الگوی کنش احساسی آنان است. در مبحث مرتبط با قانون اساسی مرامنامه، محوریت، اندیشه ولایت‌فقیه (نه شخص ولی‌فقیه) است و هرگونه تغییر در قانون اساسی بنا به ظرفیت لحاظ شده در آن تحقق یافتنی است. از طرفی شکست کروی و اقدام به تشکیل حزب اعتماد ملی و سپس دبیر کلی خودش نمادی از بزرگ‌گرایی و خودمحوری است. البته، موضع‌گیری ارزشی کروی بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و حمایت از نیروهای مورد غضب حاکمیت نشان از الگوی کنش عقلانی معطوف به ارزش او و طبعاً فعالان حزب اعتماد ملی دارد. قابل استنباط است که؛ الگوی کنش فعالان حزب اعتماد ملی میان سنت، احساس و تا حدودی عقلانیت معطوف به ارزش و اخیراً عقلانیت معطوف به هدف دچار سردرگمی است و از این نظر با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب که الگوی کنش عقلانی را می‌طلبد چندان سازگاری ندارد. شاید اگر فعالیت اعضای این حزب در سال‌های اخیر با محدودیت‌های گسترده‌ای مواجه نمی‌شد، فرآیند پیوستگی کنش، میان فعالان این حزب به وجود می‌آمد و الگوی کنش عقلانی در میان فعالان آن بهتر شکل می‌گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق با رویکردی متأثر از نظریه کنش ماکس وبر، متون مرتبط با تأثیرگذارترین احزاب در دهه‌های مورد نظر بررسی شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که؛ الگوی کنش فعالان حزبی بیش از آنکه عقلانی (به‌عنوان لازمه فعالیت و تحکیم احزاب) باشد، احساسی و سنتی بوده و از این نظر پدیده تحزب دچار چالش‌های اساسی است. ماکس وبر یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی هر کشوری را تشکیل احزاب سیاسی می‌دانست. او احزاب سیاسی را نوعی رابطه فعال اجتماعی به حساب می‌آورد که مردم از طریق آن به عمل جهت‌دار سیاسی می‌پردازند. وبر معتقد بود که احزاب سیاسی جمعیت‌های اختیاری هستند که اعضای آن‌ها تلاش می‌کنند که روسای خود را به قدرت برسانند تا از این طریق به برخی امتیازات مادی و معنوی چون تحقق برنامه‌های سیاسی دلخواه خود یا نیل به برخی منافع شخصی یا هر دو، دست یابند. حزب از نظر وبر شرکتی است که هدفش کسب قدرت است. ورود به این شرکت مانند همه شرکت‌های اقتصادی، تابع قوانین حاکم بر بازار (عرضه و تقاضا) است. افراد با محاسبه‌ای

عقلانی و برای نیل به مقاصدی عینی به احزاب می‌گرایند. ملهم از ماکس وبر کنش اجتماعی عملی آگاهانه است که دربرگیرنده احساسات، سنت‌ها، عقلانیت و ارزش‌های افراد است. از این نظر در این پژوهش، کنش اجتماعی فعالان حزبی مورد بررسی و تفسیر قرار گرفت. سؤال اصلی که در این تحقیق مطرح بود اینکه؛ الگوی کنش فعالان حزبی تا چه حد با ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب که الگوی کنش عقلانی را می‌طلبد سازگار است؟ برای دست یافتن به پاسخ سؤال ذکرشده و با تعریف عملیاتی انواع الگوهای کنش مصاحبه‌های موجود، اساسنامه‌ها، مرامنامه‌ها و دیگر اسناد مرتبط با فعالان حزبی و احزاب سیاسی مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت.

همان‌طور که در جدول زیر قابل مشاهده است تحزب در دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ در نسبت با الگوی کنش فعالان حزبی دچار چالش‌های اساسی بوده است. الگوی کنش فعالان حزبی بیش از آنکه عقلانی (به‌عنوان لازمه فعالیت و تحکیم احزاب) باشد احساسی و سنتی بوده است، یا دست‌کم الگوی کنش عقلانی بنا به دلایل مختلف اجتماعی-سیاسی توان غلبه بر فضای حزبی را نداشته است. کنش سنتی فعالان حزبی به شکل گرایش‌ها قوم‌مدارانه، بزرگ‌گرایی، فامیل‌محوری و کنش احساسی به شکل قرائت‌های خاص ایدئولوژیک از مذهب یا مکاتب اجتماعی، ترور و خودمحوری مانع از تحکیم و فعالیت مناسب احزاب شده‌اند. چرایی عدم غلبه واقع‌گرایی، رویکرد استراتژیک، سازوکار حزبی، برنامه محوری و تعهدات ملی‌گرایانه و قرائت‌های متعهدانه از مذهب و مکاتب اجتماعی، به‌عنوان شاخص‌های الگوی کنش عقلانی (ملزومات فعالیت و تحکیم احزاب) بر فضای حزبی، خود می‌تواند زمینه انجام تحقیقی مفصل و جداگانه باشد.

جدول (۱): خلاصه یافته‌های تحقیق

ردیف	فعالان حزب	تأسیس	کنش	غلبه الگوی کنش	ارتباط با حاکمیت	وضعیت فعلی
۱	جمعیت مولفه اسلامی	۱۳۴۲	بزرگ‌گرایی، قرائت خاص ایدئولوژیک از مذهب	سنتی و احساسی	متحد	فعال
۲	حزب جمهوری اسلامی	۱۳۵۷	بزرگ‌گرایی، خودمحوری، قرائت خاص ایدئولوژیک از مذهب	سنتی و احساسی	متحد	منحل
۳	حزب کارمندان	۱۳۷۴	بزرگ‌گرایی، برنامه محوری، واقع‌گرایی، فامیل‌محوری	سنتی و عقلانی معطوف به هدف	سازگار	فعال
۴	حزب مشارکت	۱۳۷۷	بزرگ‌گرایی، قرائت متعهدانه از مذهب، برنامه محوری، واقع‌گرایی، سازوکار نسبتاً مناسب حزبی	سنتی و عقلانی (هدف و ارزش)	منتقد	منحل
۵	حزب اسلامی کار	۱۳۷۷	واقع‌گرایی، قرائت خاص ایدئولوژیک از مذهب، عدم برنامه مشخص	سنتی، احساسی و عقلانی معطوف به هدف	حامی	فعال
۶	حزب اعتدال و توسعه	۱۳۷۸	بزرگ‌گرایی، گاهی برنامه محور	سنتی و نسبتاً عقلانی معطوف به هدف	حامی	فعال
۷	ائتلاف آبادگران ایران اسلامی	۱۳۸۱	قرائت خاص ایدئولوژیک از مذهب	احساسی	متحد	فعال
۸	حزب اعتماد ملی	۱۳۸۴	بزرگ‌گرایی، برنامه محوری، قرائت خاص ایدئولوژیک از مذهب و گاهی قرائت متعهدانه از مذهب	سنتی و احساسی و گاهی عقلانی معطوف به هدف و ارزش	منتقد	فعال

References

- Darabi, A. (2009). Political trends in Iran, Second Edition, Tehran: Publishing House of Islamic Culture and Thought (Text in Persian).
- Delavari, A. (1996). "Social Contexts of the Instability of Political Parties in Iran (from Constitutional to Islamic Revolution)", Review and Opinion, Second Year, No. 3, and Fourth (Text in Persian).
- Fawzi, Y. (2006). Post-revolutionary socio-political developments in Iran, First Edition, Tehran, orouj Publishing (Text in Persian).
- Ghasemi, F. (1982). Festschrift for Mohammad Hosseini Behesht, First Edition, Tehran, Ghods Publications (Text in Persian).
- Moderation and Development; From Appearance to Climb, Iran's Network, Newsletter: 160290, News Date: 2013 (Text in Persian).
- Namayandeh website, 2016/1/8 (Text in Persian).
- Nazeri, M. R. (2003). Identity of Political Parties, Qom, Parsazian Publications (Text in Persian).
- Nowruz website, 2014/11/26 (Text in Persian).
- Nozari, E. (2001). History of political parties in Iran, Shiraz, Navid Shiraz (Text in Persian).
- Organisational Change in Political Parties in Iran after the Islamic Revolution of 1979. With Special Reference to the Islamic Republic Party (IRP) and the Islamic Iran Participation Front Party (Mosharekat), MOHAMMADIGHALEHTAKI, ARIABARZANDurham, E-Theses, 2011.
- Proceedings of Party and political development (1999), Islam and Party (First Book), Office of Political Studies and Research of the Ministry of the Interior, First Edition, Tehran, Hamshahri Publishing (Text in Persian).
- Proceedings of Party and political development (1999), Islam and Party (Second book), Office of Political Studies and Research of the Ministry of the Interior, First Edition, Tehran, Hamshahri Publishing (Text in Persian).
- Proceedings of Party and political development (1999), Islam and Party (Third book), Office of Political Studies and Research of the Ministry of the Interior, First Edition, Tehran, Hamshahri Publishing (Text in Persian).
- Rafipour, F. (1981). Explorations and perceptions, Tehran, Public Joint Stock Company (Text in Persian).
- Shadlou, A. (2000). Information about political parties and factions of Iran today, First edition, Tehran, Publishing Gostareh (Text in Persian).
- Today's sunshine newspaper, 1999/9/11 (Text in Persian).
- Tanhae, Abolhassan (1995). An introduction to sociological theories and schools of thought, Mashhad, Marandiz Publishing (Text in Persian).
- Tebayan website, 2009/7/17 (Text in Persian).
- Website of the Etemad Melli Party, 2016 (Text in Persian).
- Work Party site, 436 days with amendments, Islamic work Party Publishers, Tehran, 1999 (Text in Persian).
- Zarifinia, H. R. (1999). Analysis of Political Parties in Iran, Tehran, Azad Andysh Publications (Text in Persian).